

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۴ صفحه

# بیکار ۶۱

بها ۲۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۹ تیر ۱۳۵۹

سخت از دوماه است که رژیم جمهوری اسلامی برای بزانبوسه در آوردن خلق قهرمان کرد علاوه بر بمباران و گلوله باران شهرها و روستاها و کشتار فرزندان دلاور خلق در کردستان، دست به محاصره قشما می زده و مانع از ورود آذوقه و محصولات مواد غذایی گشته است. اما خلق کرد در مقابل این جنایتها تسلیم نخواهد شد و تاریخ، سیه دلان دشمنان خلق را برای تسلیهای آینده با زگوخواهد کرد.

## سخنان اخیر آیت الله خمینی:

### سر آغاز یورشهای دیگر به نیروهای انقلابی و مترقی

رأی نام آیت الله خمینی موضع خود رزیم جمهوری اسلامی را در مقابل نیروهای انقلابی و مترقی و بخصوص مجاهدین خلق با صراحت کامل روشن کرد. قبل از این ما همواره با هدف موضع گیریهای خصمانه آیت الله علیه نیروهای جبهه ما را در مسوودت مجاهدین تا بحال انتحسین مریخ برخورد ننشده بود این نتیجه اجتناب ناپذیر و اج کبری ما رزیده شده است. حدت مبارزه طبقاتی و عجز رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات فزاینده جامعه ما است. اعلام تریخ این مواضع یک بیروزی بزرگ برای نیروهای انقلابی سازمان تا بدیرو کلیه کارگران و رزمندگان است. همچنانکه بقیه در صفحه ۲

## تخصن و راهپیمایی کارگران مبارز پرس پیژنون

صفحه ۳

## کردستان قهرمان میرزمد!

گرامی باد رفقای شهید  
کاک عطاء طاطایی و لبللا مرادی  
صفحه ۵

## اگر مرداب بخشکد پشه ها خود می میرند

آیا اعدام سوداگران مرگ راه ریشه کن  
کردن اعتیاد است؟  
صفحه ۶

## گرانی: فرزند طبیعی نظام سرمایه داری

همراه با تورم شدید بولی، ما هم اکنون شاهد رشد بی سابقه قیمت اجناس مخصوصاً در بخش خرده فروشی هستیم. قیمت ما بحتاً عمومی مثل نان، گوشت، روغن نباتی، تخم مرغ، هزینه مسکن، لباسات، مسوود... مرتباً افزایش می شود. "برج گشتا دوماه قبل کیلو نسی ۱۱ تا ۱۳ تومان فروخته می شد اکنون به ۱۴ تا ۱۹ تومان رسیده است" - با اعداد ۱۷۰۰۰ خردا دت نرخ مسوودت به ازار نسبت به سال بین حداقل دوبرابر شده است. مثلاً بقیه در صفحه ۱۳

## خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند...

گرامی باد فرزندان شهید خلق  
رفیق بیکار محمد علی علوی شوشتری  
ورفتاد کمر استماعیل نورمحمدی  
شوخهر جنداری  
صفحه ۴



## سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت)

### و تقی رونیونیستی مشی چریکی

"بله به بله سقوط انجام گرفت. اسارها و متونیکها که یک بار به راستی مبارزای سا بورزوری بای گدا شده بودند، لاجرم آنقدر در این راستی در غلطی دند تا به قمر آن سقوط نمودند".  
(لینن: درسیای انقلاب)  
سرمه رزده طبقاتی و تحولات اجتماعی نسوانت بر نیروهای سیاسی جامعه ما تا نیز سگری برجنا نگذارده و سگری های طبقاتی آنان را متخص نسر ننازد. سندیاد انقلاب در صف نیروها جانجائی های جدیدی بوجود آورد. و در عین حال مرز بندی ها را دقیق تر و عمیق تر کرد و جوهر حقیقی و طبقاتی ساست و کردار رهبری سیاسی را متخص نر نمود.  
سازمان چریکهای فدائی از این تحولات سیاسی طبقاتی برکنار نماند. ما رزمه رزده طبقاتی صف بندی درون سازمان را متخص نر کرد و با لاجرم گدا فاسائی زا به سنگات تشکیلاتی گسترش بخشید، سنجوی که بخشی از سازمان چریکهای فدائی بدنیال تحکیم بحراف رونیونیستی خود، بله به بله سقوط کرد و با لاجرم به جنبه رونیونیستی در غلطید.  
بقیه در صفحه ۸

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

# پیگار

بقیه از صفحه ۱

## سخنان...

اعلام این مواضع شکست سختی است برای کلیه سازشکاران و تسلیم طلبان، شکستی برای کسانی که میگویند جهت حفظ منافع خود، مرزبین انقلاب و فدا انقلاب را مخدوش سازند و با اصلاح طلبی، وسط کمبر ما را گرفتند، برخورد های رویزونیستی و فرار از مبارزه طبقاتی، جنبش خلق را در حد منافع طبقاتی خود مهار کنند.

رشد روزافزون جنبش انقلابی و جب، رهبران جمهوری اسلامی را که پاسدار منافع زمینداران، سرمایه داران و دیگراقتدار مرفه جامعه و حافظ فرهنگ ارتجاعی (از نوع ولایت فقیه) هستند به وحشت انداخته و ادعا میکنند در کردستان، با لگرفتن نارضا بیهوش عمومی و اجگیری اختلاف و تضادهای کهن بین جناحهای حاکم (حزب جمهوری اسلامی و جناح چینی صدر) بر سر چگونگی مقابله با جنبش شده ها وجود دارد و با لگرفتن در سر بیرونی های کمونیستی و گسترش یا یگانه نموده های نیرو - های دموکرات که مینتینگ بزرگ مجاهدین خلق در امدیه، جلوه آخر آن بود، حزب جمهوری اسلامی و پشتیبان کامل آن آیت الله خمینی را به یک جنبه - بندی صریح در برابر جنبش خلق واداشت.

آیت الله خمینی در سخنرانی آخر هفته گذشته خود (مدرج در روزنامه های ۵ تیر ۵۹) یکبار دیگر از جناح بسیار عقب مانده هیئت حاکمه (حزب جمهوری اسلامی) بیشترین نابینا و خراب بین را بعمل آورده مهم ترین نیانه و مستحکم را برای حملات آتی با نسد جماعتداران و اوایسان حزب جمهوری اسلامی بدست آنان داد. آیت الله خمینی در چالیکه اختلاف بین دو جناح هیات حاکمه اوج گرفته و "افتتاح بزرگ" حزب جمهوری اسلامی در نور آیت، به سالها سیاسی روز تبدیل گشته بود، حمایت خویش را از بزنا مه های حزب اعلام کرد و لبه تیز حمله را متوجه نیروهای انقلابی نمود و بدین ترتیب بر "افتتاح بزرگ" موقتا سرپوش نهاد. (۱) و با بهترین کوشش تمامی اهدافی را که امثال آیت دنیا ل میکنند ما را تحت بیختری آشکارا بیان کرد. البته جز بیخشی که بنا خطاها ت درونی با جناح بنی صدر میگردد.

آیت الله خمینی، در سخنرانی خود، غیر غم آنجه معمولاً ادعا میشود که "زبان را نباید جز برای استیسی گرداند"، به نیروهای انقلابی تا درست ترین نهیها را زد و آنان را به صفائی توصیف نمود که هر کس اندکی به او تمیبات اجتماع می آید، آنگاه با نسد، با درست بودن آنها را درک خواهد کرد:

و نیروهای انقلابی را که از آنها پیش علییه رژیم خونخوار را مهار کرده اند، بعنوان "گروه های بی که بعد از انقلاب مثل قارچ روئیدند و قبل از انقلاب نبودند" خوانند، و آنها را "مانع پیروفت انقلاب"، "بیریا کننده غائله"، "خرمن سوز"، "بیریا دهنده کشور"، "دروغگو

(۱) - درباره افتتاح بزرگ رجوع کنید به اعلامیه سازمان ما مورخه ۳ خرداد و نیز سلسله مقالات "جنگ قدرت در ایران" شماره های ۵۹، ۶۰، ۶۱ پیکار.

به مردم"، "عامل امریکا"، "برهم زننده کارخانه ها و کتا ورزی" و "دریافت کننده پول از خارج" نامید، او کارگزار حق طلب کارخانه نجات را که هنوز زیر تلاق سرمایه داران جان میکند متهم کرد که "پول می گیرند تا امتحان بکنند".

● آیت الله خمینی، شهیدای عزیز خلق ما را که در سالهای سپاه خفقان، مبارزه انقلابی کردند و جان در راه آزادی خلق باختند، افرادی دزد نامید!

او افرادی قدخا نه و مسکن را که دست به معادله برخی از خانه های سرمایه داران زده و در آن سکونت کرده اند "غارتگر" و "از ریشه همان رژیم سابق خوانند. آیت الله خمینی، شما ما اقدامات سرکوبگرانه، شما اقدامات ضد دمکراتیک و جعل و تحریفهای "انتخابات" های سال گذشته را که کمتر کسی جز حزب جمهوری اسلامی از آن رضایت دارد و آنرا محکوم نمی کند - درست و قابل تأیید خوانند؛ او نیروهای انقلابی را که با اقدامات ارتجاعی رژیم مخالفند، در کنار افرادی قرار داد که خدمتگزار دزبنا رشا بوده اند.

آیت الله خمینی، شهیدای عزیز خلق ما را که در سالهای سپاه خفقان، مبارزه انقلابی کردند و جان در راه آزادی خلق باختند، افرادی دزد نامید، او گفت: "اگر یک دزدی را که تبه و زاپه شده شما بود، آن تبه شما میتوبد انقلابی!" (۱)

کدام تبه وین به خلقهای ستمدیده و مبارز ما و به انقلابیون شهیدان مردم، از این بزرگتراست؟! و همچنین آیت الله خمینی مجاهدین خلق را "فریبکار" خواند و به قضیه ای مربوط به چندین سال پیش اشاره کرد که چون مشخصا به دوش از رفقای ما و سازمان ما جدا بین خلق ایران که بسیاری از ما در آن زمان، در آن تشکیلات به فعالیت انقلابی مشغول بودیم مربوط می شود، وظیفه خود میدادیم که بزودی آنها را تفصیل بپرای کارگران و دیگر کوشده های زحمتکش ایران و تمامی خلق روشن کنیم و عمق نادرستی برخورد آیت الله را با این قضیه نشان دهیم. ■

## گرامی باد چهارمین سالگرد شهادت فدائیان خلق

هشتمین سالگرد شهادت فدائیان خلق، رفقای شهید: حمید آشف، محمد حسین حقنواز، یوسف ختکه - بیجاری، محمد مهدی فوقانی، فاطمه حسینی، غلامرضا لایق مهرسانی، طاهره، خرم، غلامعلی خراط پور، علی اکبر روزبیری و محمد رضا بیری.

خاطر همان گرامی باد!  
★ ★ ★ ★ ★

## کمکهای مالی دریافت شده

۲۳۰۰	ک	۱۹۱۰۰	خ	۲۲۷۰۰	آ
۲۷۰۰۰۰	"	۴۲۴۰	د	۲۶۸۱۰	"
۷۶۵۰	"	۷۲۰۰	"	۲۶۱۰	الف
۳۹۰۰	ک	۲۱۰۰	"	۴۰۰۰	"
۴۵۵۰۰	ل	۳۱۰۰۰	ر	۲۱۲۰۰	"
۱۱۲۴۰	م	۱۷۱۰۰	"	۸۰۰۰	"
۷۴۰۰	"	۱۵۳۰۰	"	۱۴۰۰۰	ب
۱۸۰۰۰	"	۸۰۰۰	"	۱۲۲۸۰	"
۲۲۰۰	"	۴۲۰۰	ز	۲۳۰۰	پ
۶۰۰۰	م	۱۱۰۰۰	"	۱۲۱۰۰	"
۸۳۰۰	"	۶۸۰۰	"	۱۸۱۸۱۰	"
۱۰۰۰۰	"	۲۵۰۰	س	۲۱۲۰۰	"
۴۵۰۰	"	۸۳۰۰	"	۱۱۲۲۰	"
۹۵۰۰	ن	۲۱۸۰۰	"	۸۵۰۰	ت
۶۲۰۰	"	۱۹۱۷۰	ث	۶۵۰۰	ج
۶۵۰۰	"	۵۸۴۷۰	غ	۱۱۲۰۰	"
۱۰۰۰۰	"	۶۲۰۰	ف	۹۰۰۰	ح
۱۴۰۰۰	"	۱۲۱۰۰	"	۷۸۰۰	"
۴۵۰۰	ه	۱۱۲۰۰	ق	۱۶۳۰۰	"
۱۲۷۰۰	"	۱۹۳۰۰	"	۱۱۰۰۰	"
۶۱۱۰	ی	۴۱۰۰۰	ک	۱۵۰۰۰	خ

۱ - دوسرار رفقای کارگروادار سازمان که در کوره آجریزی کار میکنند، طی نامه کونا و وصیمی خود نوشته اند:

"... با توجه به شرایط جدید سازمان به کمکهای مالی تصمیم گرفته ایم که در سیزده روزهای گذشته (خود) را به سازمان اختصاص دهیم." با آرزوی پیروزی برای این رفقا، کمکهای آنها را در زیر می آوریم:

ت ۸۵۰۰  
ن ۹۵۰۰

۲ - رفیق دانی آوری از کارگران طی نامه بر سر خود نوشته است:

"... من یک دانش آموز ... هوادار سازمان بیگار میباشم، مبلغ ناچیزی که پس انداز کرده ام برای آن می فرستم ... به امید روزی که خطا مهربانانه به داری در ایران بدست توانای کارگران سرنگون گردد." با آرزوی موفقیت برای این رفیق دانش آموز کمک مالی او را در زیر درج می کنیم:

ر ۱۰۴۰۰

۳ - رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در اسکولم، مبلغ ۳۰۰۰ مارک کمک مالی نثار یافت گردید.

## رفقای هوادار!

## دوستان مبارز!

کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید بدست ما برسانید.

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

# جنبش کارگری



## تخصن و راهپیمایی کارگران مبارز پر سبزیون

بیش از سه ماه است که کارگران مبارز شرکت ساختمانی بر سبزیون در قبال کار طاقت فرسای خود هیچ حقوقی دریافت نکرده اند! کارگران در این مدت با بسیاری از مقامات مسئول تماس گرفته و خواهشهای خود را مطرح کردند، اما جز وعده و وعید چیزی دریافت نکردند!

در تاریخ ۵۹/۳/۳۱ شورای اسلامی کارکنان شرکت بر سبزیون که شورای مترقی است طی اعلامیه‌های سیاستهای ضد کارگری مسئولین شرکت و مقامات دولتی را افشا کرده و ضمن اعلام راهپیمایی و تخصن در فرمانداری از مردم مبارز شهر میخواهد که از خواهشهای سرحقی کارگران پشتیبانی کنند.

روز یکشنبه اول تیر ما نزدیک به ۱۶۰۰ نفر از کارگران مقابل فرمانداری اجتماع کرده و عملاً به نمایندگی از متخصن خود می پیوستند. (نمایندگان کارگران از دو هفته پیش بحالت نیمه وقت در فرمانداری متخصن بودند) کارگران پلاکاردی سر سردر فرمانداری نصب کرده بودند که خواهشهای آنها را نشان میداد:

- ۱- پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه و مشخص نمودن وضعیت کلی شرکت.
- ۲- اجرای دقیق قرارداد میان شورا و هیئت مدیره شرکت.
- ۳- جلب هیئت مدیره به مسجد سلیمان جهت پاسخگویی به اتهامات وارده به شورا و کارکنان در بنگ دادگاه صالح.

کارگران عصر یکشنبه با استقرار یکدوازده سوسه دوم تیر ما متخصن تمام وقت خود را آغاز کنند به خانه های خود رفتند.

رویداد دوشنبه ۵۹/۴/۲

در این روز کارگران در حالیکه صدایان از روبرو قبل بیست و دو وعده ای از زمینگشان شهر سبزیه آنها پیوسته بودند در مقابل فرمانداری اجتماع کردند (جدود ۲۰۰۰ نفر)

مسئولین شرکت، دادستانی دادگاه انقلاب و فرماندار وحشیان را تا دنگو همید کارگران با بلندگو در تهرجا ریزند که ماده ان حقوق معوقه کارگران را بپردازند. آنها حتی برای اولین بار چند دستگاہ نویسی به فرمانداری فرستادند تا آنها را کارگران سرکار رفته و حقوق خویش را دریافت کنند. در این میان یکی از نمایندگان کارگران پیشنهاد میکردن فرا گرفتن ضمن افشای ارتجاع محلی گفت: "چطور مدتی چندین سال کار در این شرکت کسی به ما سروس نداد دولتی امروز ما عزیز شده ایم؟" وی ضمن تکذیب تا بعه پرداخت حقوق گفت که تاکنون کسی به

## شورای فرمایشی قرقره زیبا و مخالفت کارگران با آن

بیش از سه ماه است که ز تشکیل شورای فرمایشی کارخانه قرقره زیبا می گذرد. این شورا که در حقیقت شورای سرپرستها و کارمندان است و در هنگام مشکل آن فقط ۱/۴ همه کارگران به آن رای دادند با دخالت مستقیم کمیته دیوبیا گرفت.

دست این شورا بخصوص پس از تقسیم سود ویژه برای کارگران رو سودا و زحمان آغاز مخالفت خود را با آن اعلام داشتند. عملکردهای بعدی شورا، مانند زور کوشی و قیام کارگران در هنگام کار، اخراج کارگران مبارز و آگاه، دردیهای پشت پرده و... بیش از پیش ماهیت این شورا را به کارگران نشان داد و آنان را به مخالفت با آن واداشت. امروز کارگران آگاه این کارخانه بد رستی و سرخاسته خواهان انحلال شورای فرمایشی و تشکیل شورای واقعی می باشند که نمایندگان آن از میان خود آنها و با رأی اکثریت آنان انتخاب شده باشد.

شورای قلابی منحل باید گردد،  
شورای واقعی ایجاد باید گردد.

## گراهی باد سالروز اعتصاب خونین کارگران مبارز کارخانه نساجی قائمشهر

در سالهای ساه حقان، در سالهای که رژیم خونخوار ریشه‌های هرگونه صدای حق طلبان را سرکوب میکرد، در سالهایی که دادگاه میهن طبعه کارگران ایران هنوز پیدا نشده و آما دکی برای مبارزه ندارد کارگران ایران اگر چه بدون تشکلات سیاسی و آگاهی لازم، اما بطور پراکنده و غیر سازماندهی کارخانه ها، اعتصاب و مبارزه میکردند، گشته میدادند و زبانی و شکنجه میبندند. این مبارزات پراکنده که در گونه های مختلف کشور سر بر می کشید، بدون آنکه بتوانند در سطح گسترده ای انعکاس پیدا کند و نوده های وسیعی را تسخیر نماید، با طرنداشتن آگاهی، سازماندهی و تشکلات سرکوب میشد.

تاریخ مبارزات کارگری سالهای گذشته ایران نمونه های فراوانی از این دست را نشان میدهد که از آن جمله میتوان به اعتصاب خوین و سیر کارگران نساجی قائمشهر اشاره کرد.

در تیرماه سال ۱۳۵۴ کارگران مبارز نساجی قائمشهر، بعنوان اعتراض به عدم پرداخت سالی سود ویژه و لایحه دست به اعتصاب زدند. "عالمزاده" مدیر کارخانه ابتدا کوشید تا با وعده و وعید کارگران را از ادامه اعتصاب منصرف نماید، اما کارگران فریب او را نخوردند و به اعتصاب خود ادامه دادند. عالما در از رش شهرتانی وقت برای سرکوب کارگران باری می طلبید در نتیجه ما موران پلیس با تانک به کارگران حمله کردند و کارگران با سنگ به حمله آنها پاسخ گفتند.

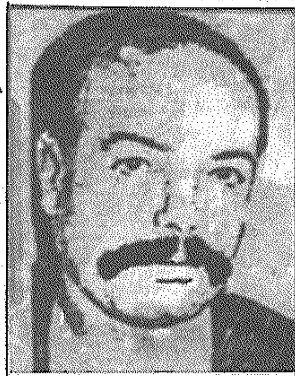
بقیه در صفحه ۱۴



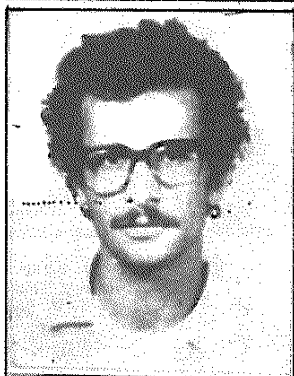
## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

## خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند...

گرامی یاد فرزندان شهید خلق  
رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری  
ورفقا دکتر اسماعیل نریمسیا و منوچهر جعفری



رفیق شهید منوچهر جعفری



رفیق پیکارگر شهید مهدی علوی شوشتری

همداستانند.  
و اما آیا با توجه به این همه سواهد، حاکمین شرع  
که دست رژیم جمهوری اسلامی در کشتار کمونیستها در پیدا  
کاها ی "عدل" اسلامی محسوب میشوند می توانند بر  
فصای خود سربوش نبندند؟ چه کسی مسبب ریخته شدن خون  
جوانهای مبارز مادران نگاهها شد؟ حزب جمهوری اسلامی  
و تفنگچیها و مفرز متفکران آیت یا دکتر نریمی ساها  
که نه از دانشگاه بلکه از بیمارستانی که در آن کار  
میکردند دستگیر شده است و با شوشتری ها که حدا کثر در  
سنگردا نگاه از خود در برابر مرحله و بانان دفاع  
نموده است؟

حکا مشرع کها یسجین بی مها با خون کمونیستها  
و مبارزین سیاسی را بر زمین می ریزند آیا میتوانند  
با اعلامی آنها بعنوان "مفسدین الارض و درکنار  
متهمین به فساد و فحشا و غیره که در نهایت خود قربانیان  
سیستمی هستند که امروز جمهوری اسلامی مدافع آنست  
برجنان با خود سربوش نبندند؟ آیا شما خیال میکنید  
با قراردادان اسررفقای دلاور سیاسی ما در کنسار  
فاجعگیان و فاحشه ها خواهد توانست برای همیشه از اسی  
که بدست خود برای خود درست می کنید برهید؟ آیا خلق  
ما انتقام خون فرزندان خود را از رژیمنا دستگیر است؟  
هر چند که شما در نیمه راه آنها را منصرف ساختید -  
اگر راست می گویند چرا فرزندان آکا ه خلق را که در  
صن با زداست حتی اجازه ملاقات با خانوادها به آنها  
نمی دهید در دادگاههای علنی محاکمه نمی کنید؟ چرا  
از حضور وکیل و هیئت منصفه که دیگر از پیش با افتخار  
برین حق و حقوق یک مبارز سیاسی است در هراسید؟

ما بدینوسیله تجرا خود را از اعدام رفیق پیکار  
گر شهید مهدی علوی شوشتری و شهید دکتر اسماعیل  
نریمی سا و رفیق شهید منوچهر جعفری اعلام میکنیم  
و از کلیه نیروهای مسررفی و انقلابی  
خواهانیم که بانک اعتراض خود را علیه این  
فصای بیجا بردارند و مانع از اعمال حاکمین شرع که  
بدستور هیئت حاکمه و بر اجتناب خوردن فرزندان  
کمونیست و مبارز خلق را به جوخه اعدام میسارند گردند!  
گرامی باد ایدادشدهای بخون خفته خلق  
دست خون آلود جلادان از گلو ی فرزندان  
خلق کوناه!

ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۱۳۵۹/۲/۸

اعلامه شماره ۸۸

توطئه "آیت" و حزب را علیه بنی صدر با آب و تاب بیان  
می کنند اما هرگز از توطئه علیه دانشجویان مبارز و  
انقلابی سخنی نمی گویند، هرگز به اعدام دانشجویانی  
که در حوادث دانشگاه ویا پس از آن دستگیر و به جوخه -  
های اعدام سپرده میشوند اعتراضی نمی نماید. آری،  
آنها نیا به دم غیر این عمل کنند زیرا که در سرگوب  
کمونیستیا و نیروهای آکا و با حزب جمهوری اسلامی

## زندگینامه پیکارگر شهید رفیق مهدی علوی شوشتری

- مهدی علوی شوشتری
- متولد سال ۱۳۲۲
- دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه اهواز
- از سن ۱۶ سالگی شروع به مبارزه علیه رژیمنا کرد
- در دوره دبیرستان بخرم بخش اعلامه ۴۵ روز در  
دارالانادیب بسربرد (بعطت کمی سن).
- سال ۵۳ - ۵۲ بعد از یکسال بخرم فعالیت سیاسی  
در زندان رژیم شاه بود.
- در سال ۵۳ دوباره بخرم فعالیت مبارزاتی دستگیر  
و پس از کجدهای فراوان به ۳/۵ سال رسیدان  
محکوم شد.
- سال ۵۶ از زندان آزاد و در جنس عظیم خلق شرکت  
کرد.
- سال ۵۸ به عضویت تکلیلات دانشجویان هسوادار  
ما زمان درآمد.
- سال ۵۸ فعالیت به کمک سیزدهگان جنوب خائف.  
در یکی از محلات کارگری اهواز کتا بخانهای تاسیس  
کرد که ۲۵۰ عضو داشت.
- در اردیبهشت ماه ۵۹ در جریان حوادث دانشگاه  
دستگیر شد.
- در خمرگاه جمعه ۶ تیر ماه ۵۹ به خرم وفاداری به  
زحمتگان اعدام گردید.

★ ★ ★  
رفیق مهدی در سال ۱۳۲۲ متولد شد، در دبیرستان  
بود که با ما رکنیم. لنینیسم آشنا شد و از همان زمان  
یعنی سالیهای ۴۸-۴۹ مبارزه بر علیه رژیم ارتجاعی  
تبقیه در صفحه ۱۴

با ردیگرها کم شرع جمهوری اسلامی در اهواز ۲ تن  
دیگر از فرزندان مبارز خلق را به جوخه اعدام سپرد، و  
بدین ترتیب بزرگ سیاه دیگری بر صفحات ارتجاع حاکم  
افزون گشت، رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری ۲۵  
ساله متولدا هواز و از مسئولین تشکیلاتی دانش آموز-  
ان و دانشجویان هواز در سازمان پیکار در اهواز و  
دکتر اسماعیل نریمی سا ۳۶ ساله بزنک یکی از بیمار  
نه ستانهای اهواز و مبارز پرسا بفر رفیق منوچهر-  
جعفری ۳۴ ساله سحرگاه جمعه ۵۹/۴/۶ خون پاکشان  
بدست جلادان خلق بر زمین ریخت و بدین ترتیب ۲  
ستاره سرخ دیگر بر انبوه شهدای خلق که در رژیم-  
جمهوری اسلامی و بدست حکام شرع و ارتش فدا خلقی و  
پاسداران سرما به بنیاد رسیده اند اما فاش گشت.

این دو شهید که پس از دستگیری همچون دیگر  
مبارزان کمونیست و غیر کمونیست تحت فشارهای جسمی  
و روانی شدید قرار داشتند به تیرا شرکت در حوادث  
دانشگاه هندی شاپورا هواز که در آن عده زیادی از  
فرزندان خلق بدست پاسداران و فائزهای وابسته  
به حزب جمهوری اسلامی بنیاد رسیده اند، دستگیر  
شده بودند. اما برای مرتجعین که نشانه خون کمونیست  
ها و دیگر مبارزینی هستند که در راه بهروری زحمت-  
کشان در تلاشند ریختن خون دهقانان از جوانان ما در  
حوادث دانشگاهها که فی نبود و ما موریت ادا مه توطئه  
دانشگاه بدست حکام شرع سپرده شده است تا بهترین  
فرزندان خلق، دانشجویان و روشنفکران انقلابی و  
کارگران را به جوخه اعدام میسارند.

هموطنان مبارزان! کارگران! زحمتکشان!  
اعدام پیکارگر شهید مهدی علوی شوشتری و دکتر  
اسماعیل نریمی سا به "خرم" شرکت در حوادث دانشگاه  
زمانی صورت میگیرد که اقتضای بزرگ حزب جمهوری  
اسلامی در نوار آیت بر ملا شده و کاملاً معلوم گشته است که  
چگونه این مرتجعین توطئه کشتار دانشجویان انقلابی  
و مبارز و تعطیلی دانشگاهها را تحت عنوان "انقلاب  
فرهنگی" را از قتل تدارک دیده بودند.

اعدام این فرزندان خلق زمانی صورت میگیرد  
که جناح بنی صدر که نوار "آیت" را منتشر ساخته است و  
خود مسببین اصلی حوادث دانشگاهها را می شناسند

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

# خلقها و مسئله ملی



## کردستان قهرمان میبازد

هما نظور که در شا جم مردا دما ه گذشته به کردستان  
رژیم جمهوری اسلامی با شکست مواجه شد، این بار نیز  
علیرغم تصرف چند شهر، نتوانسته و نتواند تا دست بر  
با مصلح "حاکمیت جمهوری اسلامی" در کردستان جا  
عمل بیوشا ند. چرا که ما هر روز، شاهد شکل مختلفی  
از مبارزات خلق کرد، برای رهایی از قید ستم ملی و  
طبقاتی هستیم. از نظرات و اعتراضات و اعتراضات  
عمومی گرفته تا حملات قهرمانانه پیشمرگان انقلابی  
بدارتس و پاسداران و جاشیا، همه و همه بیانگر روحیه  
شکرفی از مقاومت و شجارتیست که خلق کرد هستند، همان  
روحیه ای که رژیم را به تلاشی مذبوحانه مبتنی بر  
تهدید و فریب و ادراسته است.

### سندج (۵۹/۳/۲۴) اعدام رفیق "لیلا مرادی" هوادار سازمان پیکار

در نظراتی که مردم مبارز شهر سندج  
علیه وحشیگری های عوامل مزدور رژیم جمهوری  
اسلامی، ترتیب داده بودند، رفیق "لیلا مرادی" بدست  
خودفروختگان دستگیر و به دکان برده میشود. این  
مبارزان انقلابی در باجونی، توسط "سرهنگ مدری" خاش  
شدیداً مورد آزار و اذیت قرار گرفته و سپس به جوخه اعدام  
سپرده میشود.

با درفیق شهید لیلا و نما می شهیدای جنبش مقاومت  
خلق کرد کرامی یاد!

### نقده (۵۹/۳/۲۵):

#### اعتصاب عمومی اهالی مبارز نقده

اهالی کردستان بنده بعد از زنده رهایی پیشمار  
به مقامات دولتی شهربانی تا مین جانی و مالی خود  
و همچنین عدم آزادی ۲ تن از فرزندان خود، بنا میای  
محمد صدقی (معلم) و رحیم بختدار (دانش آموز) که ۱۰  
روز است بدون هیچ دلیلی دستگیر شده اند، اعلام  
روز تعطیل عمومی نمودند. مردم مبارز نقده از صبح  
امروز اعتصاب متحدانه خود را شروع کردند و اعلام  
نمودند که اعتصاب تا ۲۷ خرداد ادامه خواهد داشت.  
کردهای مبارز نقده طی اعلامیه ای از برادران ترک  
شهر تبریز، دعوت به پشتیبانی و همکاری نمودند. آنها  
همچنین هند را دید که در صورت عدم آزادی دو نفر  
مذکور مصیبتات قاطع و جدیتری اتخاذ خواهند کرد.

آری خلق کرد در مقابل یورش و توطئه های رژیم  
ساکت نباشته و مبارز خود را در اشکال مختلف ادامه  
خواهد داد.

### بانده (۵۹/۳/۲۷) حمله به روستای (آرموده) و شهادت ۳ تن از اهالی

در ایمن روز ارتش و پاسداران، چپار  
با ربه روستای ۳ رده "حمله کردند این حملات که  
تحت حمایت ملی کوبشها، انجام گرفت، منجر به شهادت  
۳ تن از مردم بی دفاع "آرموده" و زخمی شدن ۱۲ تن  
دیگر گردید که حال ۳ نفر از مجروحین وخیم است.  
شهیدان عبارتند از: شیخ حسین اهل توکل رحیم رحمانی  
بقیه در صفحه ۱۵



بیونیکس کرده برپا نوده های خلق مدرسه را ترک نمود  
سین با توجه به ایفای و کارآیی اش اسلحه بدست  
گرفت و جمع پیشمرگان سازمان بیوست.  
کاک عطا همراه سایر همزمانی در روستا ها به کار  
نوده ای مسئول بود و نوده ها را برای مبارزه و مقاومت  
آماده میکرد که کردستان را هدیه ورن، و حتی نه دیگر  
شد. جنگ تحمیل شد و کاک عطا نیز همراه دیگر انقلابیون  
برای دفاع از خواستهای برحق خلق در شهر سقز به  
مقاومت و مبارزه مسلحانه پرداخت. همزمان جوان  
ما بدست یکما در سقز با خلق جنگید و متأسفانه در در  
کبری ۲۵ خرداد "میرده" (درجاده سقز) که پیشمرگان  
سازمان بیگاریک ریوی آرینی با ۱۳ سرتین راه  
مدت ۴ ساعت در کمین خود داشتند، شهیدند. کاک عطا  
شهید شد و با خون پاکش جا داده انقلاب خلقی ای بران  
را گلگون تر نمود.

آری! پیشمرک جوان، این چنین انقلاب را به  
آسانه و پیروزی نزدیک تر کرد و خلق کرد این چنین  
پیشمرکی را از دست داد. اما خلق ستم دیده و دلبر کرد  
با تقدیم خون کاک عطا، جا در سرخ انقلاب را  
برقراری کردستان خود مختار در ایران مستقل و  
دموکراتیک قاطع تر و ایستاده نرمی پیدا بد.  
با درفیق عطا طائی کرامی با دوزخش پیروز

سازمان بیگاریک در راه آزادی طبقه کارگر  
(کمیته کردستان)  
۵۹/۳/۲۹



تهی قاره مان شیره بیاوران  
ناوی توبه بیوته سرودی لاوان

## جاودان یاد پیشمرگه قهرمان کاک عطاء طاطائی

هفته پیش خلق کرد یکی دیگر از پیشمرگان  
رزمنده و جا نیا خود را از دست داد. پیشمرگه انقلابی و  
بیگاریک رشید رفیق "عطاء الله طاطائی" در راه رهایی  
خلق کرد از قید ستم ملی و طبقاتی عاقتانه جان باخت  
و بدین ترتیب شهیدی دیگر بر خیل شهدای بیما خلق  
کرد افزودند. یادش گرامی و راهش پایداری باد!

کمیته کردستان سازمان مادر این موردا اعلامیه  
ای منتشر کرده که قسمتی از آن را در اینجا میآوریم:  
خلق مبارز کرد!

در شرایطی که مقاومت و مبارزه انقلابی مردم  
شعله ورتر میشود انقلابیون حسگی نا پذیرند و ام خط  
خونین انقلاب را برای بیوستن به دربیای آزادی  
توده ها تضمین می نمایند. کاک عطاء طاطائی یکی از  
همین قهرمانان بود که گل زندگی اش در عناقوان  
جوانی بدست دژ خیمان بر برد.

کاک عطاء سال ۱۳۴۰ در یک خانواده متوسط در  
شهر سقز دنیا آمد. او در دوران ۵۷-۵۶ مبارزات نوده  
های خلق بر علیه رژیم شاه مزدور، به مبارزه رو  
آورد و دست در جرم مبارزات شهری فعالانه شرکت نمود.  
با شرکت در اعتراضات و تحصن ها، بخش اعلامیه و شعرا  
نویسی ها، عشق خود را به انقلاب نشان می داد و کینه  
خود را به دولت حاکم پیشرو بیسترم میکرد. در ایمن  
دوره از زندگی اش، در سنین دانش آموزان به کار  
تبلیغی می پرداخت و در آکا هندن آنها نقش فعالی  
داشت.

بعد از قیام میرشکوه نوده هادریه ۵۷ و یورش وحشیانه  
پاسداران ارتجاع و ارتش ضد خلقی به کردستان،  
رفیق عطا فعالیت خود را در سطوح مختلف گسترش داد.  
او در مدرسه ای (مدرسه مصدق سقز) در حال آبیاد (یکی  
از محلات فقیرترین سقز) با خواندن اعلامیه ها و  
جزوات انقلابی، توده های ستم دیده کرد را به آگاهیه  
و اتحاد هممون میشد.  
رفیق عطا در جریان یورش ۲۸ مرداد ۵۸ رژیم  
هوادار سازمان بیگاریک و مصمم تر از گذشته در مقابل  
دشمن خلقی ایران فعالانه مقاومت و مبارزه  
پرداخت. او علاوه بر فعالیت تبلیغی در میان توده های  
شهری در شرایط جدی همرا با رفقای همزمش  
با نا رنجک و کونکل مولوتوف قهرمانانه به ارتجاع  
ضربه میزد. کاک عطا در سال آخر دبیرستان بود که برای

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

# اگر مرداب بخشگد، پشه‌ها خود می‌میرند آیا اعدام سوداگران مرگ راه ریشه‌کن کردن اعتیاد است؟

زمینه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر هم در چارچوب یک نظام طبقاتی همانند ایران، هرگز از بین نمی‌رود. و هر اقدامی که در این مورد صورت گیرد جنبه موقتی، وسکن دارد، جنبه کشتن "پشه‌ها" و دیده‌فرو و بستن آن "مرداب" دارد، جنبه مبارزه با معلول دارد و بهمین دلیل هم رژیم جمهوری اسلامی قطعاً موفق نخواهد شد که قاچاق مواد مخدر را نابود سازد.



شیکه های قاچاق در قبایل تهاجم رژیم بدانها تشکیلات خود را پیچیده تر میکنند و خود را با شرایط وقف میدهند و بزندگی انگلیسی و جنایتکارانه خود باز هم ادامه میدهند.

جوانانی که کاربرد ست نمی‌آورند با توجه به فرهنگ منحن حاکم بر جوامع طبقاتی از جمله ایران، احتمال "پناه بردن نشان بسوی اعتیاد برای فرار از مشکلات زندگی بسیار زیاد است و در واقع از تقرب (بیگاری) فرار میکنند و به مار غاشیه (اعتیاد) پناه می‌برند.

این روزها تبلیغات زیادی بیرون اقدامات آقای خلغالی بر علیه قاچاقچیان مواد مخدر صورت می‌گیرد. مضمون کلیه این تبلیغات اینست که با اعدام قاچاقچیان و تنگ کردن عرصه بر آنان بدین صورت، امر توزیع مواد مخدر متوقف میشود و با "مداوای" معتادان، همزمان با این اقدامات جامعه ما از این خطر در دنیا که و کشته‌رهائی می‌یابد، و تعداد بسیاری از جوانان و افراد جامعه ما که هم‌اکنون در دام مهلک اعتیاد گرفتار شده‌اند، نجات می‌یابند، و از زندگی فلاکت‌باری که دارند، بسوی یک زندگی نوام با سازندگی و نشاطی سوق داده میشوند. اما آیا چنین خواهد شد و اینگونه مقابله‌ها با مسئله توزیع مواد مخدر و اعتیاد دکار ساز خواهد بود؟ آیا با چنین روشی و با معنای بدین مضمون میتوان آرزوی هم‌وطنانمان را برآورده ساخت و تعداد قابل توجهی از مردمان از تنگت و فلاکت رها نمود؟ بنظر ما جواب کاملاً منفی است و با اینگونه اقدامات و کوشش‌ها هرگز نمی‌توان با قاچاقچیان مواد مخدر، مبارزه کرد. این مواد مرگ‌آفرین و با اعتیاد بسیار زنده‌گردد، چرا که این، روش مبارزه با معلول است و بعینت کاری ندارد. در حالیکه علت وجود دارد، هرگز مبارزه با معلول به بی‌سرروزی نخواهد انجامید. تا زمانی که مرگ‌آباد است، تولید پشه‌های آلوده است موجود است، ما نمی‌توانیم پشه‌ها را کاملاً نابود سازیم. باید اول مرداب را خشک کنیم آنگاه، پشه‌ها خود می‌میرند.

اما علت چیست؟ علت همانا وجود نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران است. در نظام طبقاتی که بر اساس استثمار و فرود از مردمی هستند، اینگونه آفات و مضرات برای انسانها و جامعه انسانی... واقعیتی انکارناپذیر است. واقعیتی که در جامعه فتوئدالی بنوعی و در جامعه سرمایه‌داری بکلی دیگر بروز میکند. فحشاء، دزدی، اعتیاد، قاچاقچیکاری، کلاهبرداری... از آثار طبیعی جوامع طبقاتی هستند، در جامعه فتوئدالی و سرمایه‌داری، هر دو، وجود دارند. اما در جوامع سرمایه‌داری و بی‌بهره در جوامع امپریالیستی این آثار بکلی گسترده‌تر و در عین حال با پوشش‌های فریب‌دهنده‌تری وجود دارند. ما در اینجا بخواهیم طرز کبیری از طولانی شدن این مقاله بدین "آثار" یعنی اعتیاد، فحشاء، دزدی و... نمی‌پردازیم. فقط نمونه‌ای از این "آثار" (قاچاق مواد مخدر و اعتیاد) را آنهم بطور اختصاصی مورد توجه قرار می‌دهیم. میدانیم که قاچاق، به مواد مخدر منحصر و محدود نمی‌شود و کوشش برای کسب "سود" بیشتر قاچاق در مورد کالاهای مختلف و کوناگون را بوجود آورده است ولی ما فقط به قاچاق مواد مخدر و مسئله اعتیاد می‌پردازیم. در جامعه‌ای که اساس و معیارش "سود" و سودآوری می‌باشد، در جامعه‌ای که به خاطر "سود" بیشتر اقلیتی، اکثریت آن جامعه در فقر و قه‌بیری می‌برند، در جامعه‌ای که به خاطر تحصیل سود زیاد در توانا نشاست سرمایه، میلیونها انسان از ابتدائی ترین مابحتاج روزمره زندگی محروم می‌شوند... در چنین جامعه‌ای عجیب نیست که عده‌ای هم‌بازی کسب سود زیاد بده تجارت مرگ‌آفرین مواد مخدر دست بزنند. یعنی تجارت مرگ. وقتی سود معیار و محرک باشد، همه چیز مجاز است، هر جنبه‌ای توجیه‌پذیر است. مگر تجارت اسلحه توسط امپریالیستها و ایجاب جنگ‌های تحمیلی و غیره... به خلقهای تحت استثمار مرگ نیست. مگر...؟ آری، آنجا که "سود" و "منفعت" اهرم اصلی یک سیستم تولیدی باشد، و تمام راه‌ها بدان ختم شود، عجیب نیست

کافی در قضا به وجود نمی‌آورد. چرا که سرمایه‌داری وابسته با جرات، سرمایه‌داران وجود دارند. شبکه‌های قاچاق موجودند. (اگرچه بخشی از قاچاقچیان خانواده‌بیلوری... قرار گرفته‌اند)، و این شبکه‌ها با توجه به سود سرشاری که می‌برند، با توجه به ارتباطشان با شبکه‌های جهانی قاچاق و با توجه به زمینه‌های که برای اعتیاد در جامعه طبقاتی وجود دارد، با اعدام عتاهری از آنها و حتی کشف برخی از این شبکه‌ها و انحلال آنها از بین نمی‌روند. این شبکه‌های قاچاق در قبایل تهاجم رژیم بدانها، تشکیلات خود را پیچیده‌تر میکنند و خود را با شرایط وقف می‌دهند. و به زندگی انگلی و جنایتکارانه خود باز هم ادامه می‌دهند. حتی بعینت شکالاتی که در توزیع مواد مخدر ایجاد می‌گیرد و با در نظر داشتن تقاضای ربا، قیمت این مواد مرگ‌آفرین را بالا می‌برند و اگر تیرباران متلا با فروش یک کیلوهروشین ۲۰۰۰۰۰ تومان سود می‌برند، امروز با فروش ۲۰۰ گرم، آن سود را بدست می‌آورند. چرا که زمینه‌ها از زمین نرفته و فقط توزیع مواد از دور خارج شده‌اند. و بدین ترتیب قاچاق مواد مخدر سودآورتر شده و از همین رونق غیرمخاطرات، این "کسب" و "تجارت" باقی می‌ماند. و خطرات موجود در این راه هم با ملحوظ داشتن سود سرشار این کسب به هیچ وجه نمی‌تواند بصورت مانی تعیین کننده و حتی مهم محسوب شوند.

گفته می‌شود که در ایران اکنون حدود ۵۰ میلیون معتاد وجود دارد. با یک نگاه سطحی به این معتادین درمی‌یابیم که اکثریت آنها از اقشار متوسط و محروم اجتماعی هستند و گمانه‌ها از اقشار و طبقات مرفه و ثروتمند معتاد شده‌اند در واقع غلط قرار دارند. زمینه‌های گرایش این "اکثریت" بسوی اعتیاد مواد مخدر چیزی نیست جز نا ارضی‌ها و فتنه‌های مادی و معنوی که ناشی از استثمار طبقاتی است. این استثمار طبقاتی که

که برای رسیدن به هدف (سود و منفعت) بی‌روسیله‌ای توسل جست، در چنین جامعه‌ای هدف وسیله را کاملاً توجیه میکند. حال این "وسيله" "کسب" بعضی‌ها دارای ظاهری خوب و بی‌سندیده هستند و ما به هیبت واقعی آنان نمی‌فهمیم. الفهری برای همه قابل درک نیست و برخی دیگر حتی ظاهراً نیکو و بی‌سند است. نمونه اول مثل تجارت اسلحه که بطور "قانونی" و "رسمی" صورت می‌گیرد، و نمونه دوم مثل قاچاق مواد مخدر است که بصورت "غیر قانونی" و "غیر رسمی" صورت می‌پذیرد. لکن این دو تجارت علیرغم ظاهراً نیکو و سودآور و از مابیتی یکسان بر خور دارند. هر دو در خدمت سرمایه‌داری و کسب سود بیشتر قرار دارند و هر دو تجارت مرگ هستند. اما دومی یعنی تجارت مواد مخدر برخلاف هر دو تجارت (همانند باطنش) ازود تری برای مردم شناخته می‌شود و از همین رو هم به تدریج مورد تنفر آنها قرار دارد. و در همین رابطه هم است که کلیه دول کشورهای امپریالیستی، سرمایه‌داری، سرمایه‌داری وابسته... نیز به اصطلاح قوانینی بر علیه این "تجارت" وضع کرده‌اند و چنگی چنین "تجارتی" را در ظاهر محکوم و ممنوع نموده‌اند، تا اذهان را مشوب کنند. و به مردم تحت استثمار بی‌سود و نامردوسان زندگی که در جهت کمک و یاری بدانها فعالیت می‌کنند. در حالیکه بسیاری از عتاهری که در این شبکه‌های قاچاق مواد مخدر قرار دارند، در این اهرمهای دولتی جوامع طبقاتی نیز می‌باشند. جای دور نمی‌رویم، ایران خودمان را مثال می‌زنیم. مگر رژیم ما جلاد آنهمه‌ها بسوی "مبارزه با اعتیاد" و مبارزه با قاچاق مواد مخدر را نمی‌انداخت؟ ولی کیست که نداند در باره رشا هتایتکار خود ازگردانندگان شبکه‌های قاچاق در ایران بود. این موضوع به ایران محدود نمی‌شود و آنرا براحتی می‌توان در کشورهای دیگر منجمله آمریکا، ترکیه، کره جنوبی و... دید. ممکن است در اینجا گفته شود که در ایران کنونی "درباری" وجود ندارد و حکومت خود را با قاچاق مواد مخدر حمایت نمی‌کند. ما می‌گوئیم این مسئله متفاوت

اگر...

# دسترنج زحمتگشان در چیب گشاد مفتخواران ۲۵۰۰۰ تومان حقوق ماهیانه سران حزب جمهوری اسلامی

اکنون بر مسند قدرت نشسته اند، حقوقی معادل بیش از ۱۲/۵٪ بر حقوق ماها نه یک کارگر ساده را می - کینند و روشن است که این مبلغ از هیچ منبعی تأمین نمی شود جز از دسترنج و عرق جبین کارگران و زحمتگشان ما که توسط "سرما بدهاران اسلام پناه" استثمار می شوند.

دست مفتخوران از دسترنج زحمتگشان کیوانه!

سازمان بیکار در آرزوی آزادی طبقه کارگر

سری ب - ت ش ۶۳۰ ۱۳۵۹/۴/۶

\* - السنه آقای موسوی اردبیلی در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ پنجشنبه ۵ تیرماه ۵۹ اعلام کرده اند که تاکنون آزادگستری وحشی دریافت نکرده اند که ما قضاوت آنرا بعهده خوانندگان میگذاریم!

در شرایطی که تورم، گرانی و کمبودها بحاج زندگی از یک طرف و با شین بودن دستمزدها و بیکاری از طرف دیگر کارگران و زحمتگشان را زیر بار شکنجه های فرار داده است و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی، هرگونه صدای حق طلبانه کارگران را با کلوله و حماق و تکفیر پراخ می دهد، سردمداران حزب جمهوری اسلامی و مفتخوران رژیم ما کم هاران تومان حقوق ماهانه دریافت می کنند.

اسنادی که ملاحظه می کنید، ما هدا بین ادعای ما است و نشان می دهد که آیت الله دکتر بهشتی و آیت الله موسوی اردبیلی (م) طبق قانون موبده رژیم مشهور ما ه از حقوق ماهیانه ای معادل ۲۵۰۰۰ تومان برخوردارند این آقا با آن "آیت الله ها" و "با ملاحظ" "حما بیکان مستحقین" که از شرکت انقلاب شکوهمند بوده های زحمتگشان

تا مثل سیاسی، استماتصا دی، استم فرهنگی و... است که این "اکثریت" را بسوی اعتیاد دومیگ تدریجی سوق می دهد، و خود را بین "اعتیاد" به فحشاء، دزدی و حنایت دان می زند. استم طبقاتی اجازه نمی دهد که نیروها و استعداد های انسانها بیکار گرفته شود، بیکاری که ناشی سیستم سرما بدهداری است (و در سرما بدهداری وابسته به میلی این بیکاری نیستن یا لا می رود) خودز منیه می برای کشیده شدن نظرف مواد مخدر است. کارمندان کارگری که خارج می شود و جوانانسی که کار ریست نمی آورند، با توجه به فرهنگ منطبق حاکم بر جوامع طبقاتی از جمله ایران، احتمال "بنا ه" بردنشان بسوی اعتیاد برای فرار از مشکلات زندگی بسیار زیاد است، و در واقع از عقرب (بیکاری) فرار می کنند و به ما رغانیه (اعتیاد) پناه می برند. علت روی آوردن آن "قلیت" مرفه را هم بسوی اعتیاد، ما زیبا بدر طبقاتی بودن حاطم دیده اند. اقلیت مرفه و تکمیل راه ای که از قبل استیجا را کثرت بوده ها کارگران و زحمتگشان، از برای می کشیده شدن بیرونی و بیکاری خود گرفته اند، بهیروسیله ای دست میزنند تا فرای خود را ارضا کنند. و از "بیکاری" (البته از نوع دیگرش) نجات با بندند! از جمله این "وسله" ها یکی هم مواد مخدر است...

سرما بدهداری، با در سندها از زمین بردیسا با از برای مواد مخدر وجود ندا سندها ند، و بدین وسیله علت وجودی ما قا قی مواد مخدر هم از بین بیورد. زمینها اعتیاد دوتا قا قی مواد مخدر هم در چوب بیک نظام طبقاتی همانند ایران، هرگز از زمین نمی رود، و هر اقدامی که در این مورد صورت گیرد، حسیه موفقی و سکنی دارد، جنبه کشن "بنا ه" و دیده فرو سندن از "مرداب" دارد، جنبه معارضه با معلول دار و بی چمن دلیل هم رژیم جمهوری اسلامی فقط موقی نخوا هند که قا قا قی مواد مخدر را نبودا د، اعتیاد را از بین بیبرد، و معنا دین را معالجه کند و سلبات روحی وحشی را بداندان با برگرداند. حال حتی اگر اقداما "مداوا"ی مریض و معنا دهمرا با شد، زیرا ما بطوریکه تجربه نشان داده، معنا دعلت زمینیه موجود، مدت کمی پس از "مداوا" مجدداً گرفتار مواد مخدر می شود و کمتر معنا دی بوده است (بویژه معنادان به هروئین) که برای همیشه در یک جا معذ طقاتی از شر اعتیاد درها ئی پیدا کرده باشند، اینجا ست که به رویانی بودن و صوری بودن اقدامات خلخالی و رژیم (چه اعتد امش، چه مداوا یسی) پی می بریم. در حالیکه اگر با ریشه میا رزه شود، یعنی بر علیه نظام سرما بدهداری وابسته اقدام شود، (چیزی که از توان رژیم جمهوری اسلامی خارج است - رژیمی که خود به با زسازی سیستم سرما بدهداری وابسته ایران پرداخته است)، و این نظام ما بود کرده، و جمهوری دموکراتیک خلق برهیزی برولنا ریا برقرار نشود، مسئله اعتیاد و قا قا قی مواد مخدر هم قابل حل هستند، همانطور که مسائل دیگری از قبیل سکن، بگرائسی، فحشاء و... قابل حل اند. و این را تا ریح انقلاب - با تدوین کار تیک و سوسالیستی برهیزی طبقه کارگر بخوبی نشان داده است و برای نمونه میتوان چین و ویتنام را بعد از پیروزی انقلابشان ذکر کرد. بویژه در چین برهیزی حزب کمونیست میلیونها نفر معتاد از جنگال نفرت آور اعتیاد درها گشته و تیروی کاران که بوسیله فقریت مواد مخدر به بند کشیده شده بود، آزاد گردید و از جهت شکوفا ئی و آبادانی کشور بیکار گرفته شد

تاریخ: ۳۰ تیر ۱۳۵۹  
شماره: ۱۵۷۱۹  
پوست: وزارت دادگستری  
اداره کل امر مالی

چون جناب مستفاد بجهت الاسلام آقای دکتر سید محمد حسین بهشتی بجهت فرمان مقام رهبری بر ما است در انعامی کشور مشرب شده اند ما بر این باستان با ستاد مشرب ذیل ماده ۵ قانون مربوط به هزینه های دادگستری و ثبت و اسناد قضاات مربوط سال ۱۳۳۴ از تاریخ ۵۸/۱۲/۵ حقوق و سزای اشخاص را مستفاد از حقوق قضای و حقوق... ۱۳۰۰ ریال و فوق العاده ۱۳۰۰۰ ریال) و با رعایت ماده ۵ لایحه قانونی مربوط به حداقل و حداکثر حقوق مشرب مشورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران پرداخت نمایند.

معاون اداری و مالی وزارت دادگستری

تاریخ: ۲۷ تیر ۱۳۵۹  
شماره: ۱۵۷۲۲  
پوست: وزارت دادگستری  
اداره کل امر مالی

چون جناب مستفاد بجهت الاسلام آقای حاج سید هدایت الله موسوی اردبیلی بموجب فرمان مقام رهبری در استان گیلان مشرب شده اند ما بر این باستان مشرب ذیل ماده ۵ قانون مربوط به هزینه های دادگستری و ثبت و اسناد قضاات مربوط سال ۱۳۳۴ از تاریخ ۵۸/۱۲/۵ حقوق و سزای اشخاص را مستفاد از حقوق قضای و حقوق... ۱۳۰۰ ریال و فوق العاده ۱۳۰۰۰ ریال) و با رعایت ماده ۵ لایحه قانونی مربوط به حداقل و حداکثر حقوق مشرب مشورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران پرداخت نمایند.

معاون اداری و مالی وزارت دادگستری

## چه کسانی بمب گذاری میکنند؟

روز سه شنبه سوم تیر ما ه انفجار یک بمب قوی در یکی از خیابانهای پرازدخا ما هوازه کشته و ده مجروح بجای گذاشت. این بمب گذاریها که مردم بیگناه را هدف قرار داده، کارها و اکیها و عمال رژیم سابق که آزادانه می جرخند و جنا بیکاران مزدور بیعت عسرا قی و مرتجعینی است که برای نیل به مقاصد بلید سیاسی خود به کثیف ترین شیوه های تروریستی دست میاززند چنین اعمال جنا بیکارانهای که بویژه در خون سستان انجام میگیرد، عمق رذالت مزدوران رژیم فاشیستی عراق و ایادی امپریالیسمزانشان می دهد که برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم زحمتکش و برای بهره برداری

از شرایط بحرانی جامعه ما در تلاشند. علیرغم اینکه کمونیستها، همواره نفرت و انزاج خود را از جنبش اقدامات جنا بیکارانها شوعا ملین ضد خلقی آنها، بارها و بارها اعلام نموده اند، ما بعد از هر حادثه ای از این قبیل، رژیم جمهوری اسلامی به سببشای علیه انقلابیون و بویژه کمونیستها برده اخته است تا زمینه را برای کشتار کمونیستها و نیروهای انقلابی تحت عنوان اعدا مخربکاران و... مهیا سازند. ما ضمن محکوم ساختن چنین اعمال جنا بیکارانها و برابر نفرت از آدمکشانی که جان هم میهنان ما را و شیفه نیل به هدفهای شکنج خود قرار داده اند، به با زماندگان حاد نه خونین ا هواز تسلیت میگوییم و نیروهای انقلابی، کارگران، زحمتگشان و دیگر هموطنان را ب هوشیاری هر چه بیشتر برای مقابله با توطئه های خدا انقلاب و افشای سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی از آن فرا میخوانیم

بقیه از صفحه ۱

سازمان ...

سازمان بخش اکثریت که لحاظ مئی وایدئولوژی  
حاکم بر آن و نیز سنجگیری طبقاتی اش بمنزله یک  
جریان رویزیونیستی سازمانی آید، امروزه به تعریف  
گسترده علیه ما رگسیم لپینسیم دست زده و در پی عملی  
ساختن سازش با بورژوازی می باشد. این سازمان که  
دزبپی یک انشعاب بوجود آمد، همچنان از لایطم درونی  
برخوردار است، لاطلمی گه نائی از ترکیب نا همگون  
درونی آنست. بحران و بیرویه تجزیه در این سازمان  
هنوز به پایان خود نرسیده است. عناصر با نترستی و  
در عین حال متزلزل در فعال جریان مسلط رهبری  
رویزیونیست حرف آخر خود را نگفته اند. آنان اگر  
فادرنمودند با جریان رویزیونیستی مرز بندی  
نمایند، خود، اشغال لکه مل بورژوازی پیدا خواهند  
کرد.

در حال حاضر این سازمان سرعت نفوذ نودهای  
خود را از دست می دهد و سوده های مبارزتی اش از دست  
بافتی مسلط مرز بندی می نمایند. از این لحاظ  
جریان رویزیونیستی رهبری برای اینکه به انفراد  
کامل کشیده نشود به یک سری تسلیحات دست زده و از  
جمله مرز بندی اساسی خود را با سازمان اقلیت در  
مشی جریکی و انمودمی سازد. مادرا انشعاب درسی  
آن هستیم نشان دهیم که مئی مئی جریکی از جانب  
جریان رویزیونیستی اکثریت از دیدگاه رویزیونی-  
ستی صورت می گیرد. (۱)

دو موضع متضاد در نفی مشی جریکی

جنش نوین کمونیستی ایران در اولین مرحله  
نولدش دچار انحراف غیر پرولتری مئی جریکی شد.  
حاکمیت این انحراف آوا و شورستی طی نالیسان  
درازی تر جنش کمونیستی ما مانع از آن گردید تا  
نیروهای نوپای این جنش در جهت تحقق وظایف  
اساسی کمونیستی و طبقاتی خود گام میرد آرند. لیکن  
سیر مبارزه طبقاتی و تحولات سیاسی طبقاتی در عرصه  
اجتماع و نیز از آن عهده هر چه بیشتر فرهنگ ما رگیمیستی -  
لنینیستی منجر بدان گردید تا در سطح جنش کمونیستی  
تحولات نویینی روی دهد و شکست عزیمت مئی جریکی در  
عرصه نویری و براتیک بوضوح مشخص گردد.

مشی جریکی بمنزله یک مئی خرده بورژوازی که  
ما هیئت ان سوان از با سخوئی به وظایف سیاسی -

(۱) - البته ما شناخت دقیق را چه مضمون و چگونه  
مرز بندی رفقای سازمان اقلیت بامشی جریکی نداریم، ولی  
آنچه که از فضای برخی مطالبی که تا کنون انتشار  
پیدا کرده، استنباط می کنیم، اینست که این رفقا  
هنوز به مرز بندی پرولتری و همه جا نه با این مشی  
غیر پرولتری نرسیده اند. روشن است که مئی جریکی  
اگرچه به لحاظ ایقان به قیما انقلابی، طرد فریمیم و ...  
دارای جوهر انقلابی بوده و دستاوردهای آن همچون  
دفاع مسلحانه، سنت مبارزه انقلابی تا انجماع،  
سازماندهی مخفی و ... داشته است ولی این امر مانع  
از آن نمی شود که بگوئیم این مئی فاقد ما هیئت  
پرولتری بوده است. به علاوه رفقای سازمان اقلیت  
مواضع خود را در باره رویزیونیسم، ما هیت حزب توده و  
سوسیال امپریالیسم بطور رسمی روشن نساخته اند.  
روشن است که عدم مرز بندی قاطع با این مسائل اساسی  
خطرات جدی در پی خواهد داشت. سر نوشت غم انگیز  
سازمان اکثریت تا هدا این مدعا ست.

تنگنای در فعال پرولتاریا بود، از دو سو مورد نفی قرار گرفت:

۱- نیروهای بیوایی که در روند قطب بندی  
سیاسی - طبقاتی به جانب پرولتاریا سنگینتری  
نمودند به نفی انقلابی و پرولتری مئی جریکی و  
انشعاب مئی کمونیستی پرداختند. این نیروها به مئی  
مئی غیر پرولتری جریکی دست زدند، زیرا این مئی  
وظایف سیاسی تنگنای عصر آگاه در فعال طبقاتی  
کا رگر رانی کرده، استقلال ایدئولوژیک سیاسی  
تنگنای پرولتاریا رانی نموده و با مئی ضرورت  
سنگیل حزب عملا همزونی و رهبری این طبعه با آخر

جریان رویزیونیستی س.ج.ف.خ. تا حائتی بیش می رود که مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی بورژوازی و سرمایه داری وابسته و نیز انقلاب رانی می نماید و حاضر می شود که صلح طبقاتی تحت حاکمیت بورژوازی را نوید دهد!

مرز بندی رویزیونیستی جریان رویزیونیستی اکثریت با مئی جریکی هنگامی با رز تر میگردد که ما متوجه می شویم که این جریان نمی تواند با دیدگاه و درک حزب توده رویزیونیست در این مورد مرز بندی کند.

دو تن از سران جریان رویزیونیستی در مذاکره با مئی به اوقول می دهند که در کنار بورژوازی علیه نیروهای انقلابی بایستند، قول می دهند که در برابر "کوتاردها" یا "ورسائیها" دست اتحاد دهند!

بیکتورا بران انقلاب دموکراتیک و خدا میر با لنینی ایران  
منتهی میدانست، زیرا این مئی اراده کرابانه مبارزه مسلحانه  
خدا از سوپور راجا سین مبارزه طبقاتی بود و با مبارزه  
مسلحانه توده ای نمود و پیش با ریخا ر طبقه کارگر  
بوده و تا ویرایش بیسار پرولتاریا رانی می نمود.

۲- نیروهای که از موضع رویزیونیستی و  
بسیستی، مئی جریکی رانی کرده و تحت پوشش  
ما رگسیم لپینسیم، تسلیم طلبی در باره بورژوازی را  
سما را مائی خود قرار دادند. دیدگاه این نیروها طبع  
از مئی رویزیونیستی حزب توده، از مئی جریکی  
به در قیما انقلابی نظور کلی و قیما انقلابی نسوده ای  
رسیده و عملا از مئی نظام طبقاتی حاکم و انقلاب  
اجتماعی را از دستور مبارزه طبقاتی خارج دانستند.  
آنان در نفی انحراف غیر پرولتری جریکی به مرز بندی  
رویزیونیستی دست زده و عملا مبلغ جوهر اساسی خط  
مئی رویزیونیستی حزب توده گشتند، معنای طبقاتی  
این مرز بندی حقا ر گرفتن درجه بورژوازی جز  
دیگری نمی توانست باشد.

در جنبش کمونیستی ایران ردمی جریکی از  
جانب سازمان ما نمونه برجسته ای از مرز بندی  
پرولتری با انحرافات غیر پرولتری بود. در بخش  
منتخب از سازمان ما هذین خلق انحراف اصلی حاکم  
بر سازمان از دو موضع انحرافی مورد نقد قرار گرفته  
بود: یکی، موضعی که از زاویه ای ایورونیستی و  
در عین حال با سیفیتی از مئی جریکی به مئی  
مبارزه انقلابی علیه نظام حاکم رسیده بود و دیگری، موضعی  
که از زاویه ای ایورونیستی انحراف با عدم انحراف  
مئی جریکی را به وجود با عدم وجود شرایط عینی انقلاب  
مؤکول کرده و بر انحراف ما هوی مئی غیر پرولتری  
چریکی برده، ساترمی انداخت. مسئله اساسی این  
نیوده که صرفا به مرز بندی با مئی جریکی پرداخته شود،  
مسئله اساسی این بود که مرز بندی با این مئی انحرافی  
و خرده بورژوازی بیک آلترناتیو انقلابی و  
کمونیستی بیانجامد.

سازمان ما بدین دلیل به ردمی جریکی پرداخت  
زیرا این مئی غیر پرولتری بر اساس ما هیت خود با  
چا یگزین کردن مبارزه مسلحانه خدا از توده بجای

مبارزه طبقاتی بوده و نتیجتاً با مئی مبارزه طبقاتی  
نوده ها و کار سیاسی تنگنای در میان پرولتاریا و در  
آخر نفی حزب طبقه کارگر، نقش پرولتاریا در انقلاب  
دموکراتیک و ضرورت همزونی این طبقه در انقلاب را  
نادیده می گرفت، زیرا که این مئی با مئی مبارزه  
طبقاتی نوده ها و مبارزه مسلحانه آنان به مئی  
انقلاب پیروز مند و از مئی قیما مبارزه طبقاتی  
حاکم می رسید: این مئی از آن جهت مورد نقد و نفی  
قرار گرفت که ما هیئت ان سوان از سازماندهی و هدایت  
و ارتقاء مبارزه طبقاتی در جهت استقرار جمهوری  
دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر و کارکنان

سوسیالیسم بود، آری، مئی جریکی بدین لحاظ مستورد  
مئی انقلابی واقع شد چرا که ما هیئت ان سوان از پیشبرد  
مبارزه طبقاتی تا انجام انقلاب اجتماعی بود. این  
مئی بدین لحاظ مئی شد تا نه طرح آلترناتیو  
یعنی انشعاب مئی نوده ای کمونیستی و با بودی رژیم  
سما به داری وابسته با میرا لپینسیم و ترفیاز جمهوری  
دموکراتیک خلق برهبری پرولتاریا سا با مد.

زدان مئی انحرافی از موضعی پرولتری و  
چا یگزینی مئی کمونیستی، نمی توانست دستاورد  
بزرگی برای جنش ما رگیمیستی لنینیستی ایران و  
پرولتاریا مبین ما شما رنا یاد آور این مئی نتنی  
توانست شکوفائی هر چه بیشتر جنش کمونیستی ایران  
را موجب شود.

حال آنکه در همان زمان آن دستا ز روشنگران  
چپ خرده بورژوازی که نتوانسته بودند به مرز بندی  
انقلابی با مئی جریکی برسند، در سیر تحولات طبقاتی  
و تشدید مبارزه طبقاتی با خط کنی رویزیونیستی خود  
به تعجب بورژوازی سنگینی کرده و پس از طی یک روند  
کوتاه به جبهه رویزیونیستها در لغض شدند.

"گروه منشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق"  
که در آبان ۵۶ از سازمان چریکهای فدائی خلق جدا  
شد، نمونه برجسته این انحطاط بود. این "گروه" در  
زمانی که تقاضای مئی جریکی به اوج خود رسیده بود  
و سازمان چریکهای فدائی نتوانسته بود به نقد  
انقلابی آن بپردازد به ترک مواضع انقلابی دست زده  
و به رویزیونیستیای حزب توده پیوست. این "گروه"  
بدینا ل ردا ثورونیستی و با سیفیتی مئی جریکی  
به مئی شرایط عینی انقلاب و تدارک همه جانبه انقلاب  
نوده ها جهت سرنگونی و نا بودی قیما میز رژیم سرمایه -  
داری وابسته ایران و بورژوازی کمبرادور و نیز درهم  
شکستن قهری ماشین دولتی حاکم رسید. این گروه  
همانند حزب توده در عین حال که با مئی جریکی "مرز -  
بندی" نمود بطور عموم به در قیما انقلابی رسیده و در عین  
حال که از انقلاب بطور کلی صحبت می نمود، از تدارک  
انقلاب و تربیت و پرورش طبقه کارگر و توده ها به حول  
ایده انقلاب اجتماعی طفره رفته و بر آن خط بطلان





می کشید، این گروه می گفت:

"انقلاب به معنای سیاسی آن عبارتست از انتقال قدرت حاکم اردست طبقه میرنده بدست طبقه بالنده". (اعلامیه توضیحی مواضع ایدئولوژیک، آبان ۵۶ - تاکیدا زماست.)

این گروه به سبب همه پورنوئیستی و رویزیونیستیها نه تنها صحبت از "انتقال قدرت" کرده و در هم شکستن قهری ماشین دولتی وانجام انقلاب فورا میسر را آگاهانه نفی می کرد، بلکه بلافاصله فافه می نمود که همان "انقلاب" از طریق انتقال قدرت در دستشور منارزه نیست، بلکه ابتدا باید "دیکناسوری فاشیستی" رژیم شاه را "برنگون" کرد و برای این منظور باید با بخشی از "بورژوازی بزرگ" و "کمیرادور حاکم" در چهارچوب "جبهه واحد مددیکنا توری" وحدت نمود. (همانجا.)

این گروه از رد می چریکی بدرد تپرا انقلابی و انقلاب ویدیش می رویزیونیستی سازش طبقاتی و گرنش در برابر بورژوازی می رسد.

## سازمان چریکهای فدائی

### از چه موضع می چریکی رانفی میکند؟

پس از این انتساب، سازمان چریکهای فدائی را آنجا که می چریکی را مورد انتقاد انقلابی قرار نداد و گویند این زخم کهنه را در لایه های ضخیم تری از انگار چریکین رویزیونیستی سیوانند، بنابراین نمی توانست در منطق دیگرا برآمدند بحران سازمانی مواجهه نماید. برخورد بورژوئیستی جهت نفی و پوشاندن تناقضات دروسی راه علاج بحران نبود، چنین برخوردی اگرچه ممکن است انفجار بحران را کمی به تعویق بیندازد، ولی در منطق بعدا بعدا انفجار را در وجدان خواهد کرد. بدین ترتیب آنجا که سازمان چریکهای فدائی نمی تواند بطور ریندای بد میسی چریکی برخورد کرده و آنرا مورد نفی بیرونی قرار دهد، موضع انحرافی گذشته در رد می چریکی نمیوانست دوباره ظهور کند. درگیری از پورنوئیسم، پرده پوشی تضادها، و آلودگیهای رویزیونیستی، جز بندگی رویزیونیستی با میسی چریکی امری اجتناب ناپذیر بود. در مینسی از تحول انقلابی جامعه، در هنگا می کند مبارزه بیرونی را و نوددهای رچنگتن اوج میگریفت، در زمانی که میسی چریکی زیر ضربات جنش نوددهای و شکوفائی مارکسیسم لنینیسم در هم می شکست و نتوانسی ماهوی آن درسیج و سازماندهی و هدایت نوده ها پیش از هر زمان دیگر آنگا میبند، سازمان چریکهای فدائی به شیوه ای پراکند میبندی و در عین حال اپورنوئیستی در پی فراموش کردن میسی چریکی برآمد.

سازمان چریکهای فدائی آهسته آهسته و بیطیور اپورنوئیستی به فکر کناره کشیدن میسی چریکی افتاد. این سازمان که در فقدان صراحت کمونیستی و منسب انقلابی کار نموده بود، از اواسط سال ۱۳۵۸ منسی آوانتروئیستی حاکم را کناره کشید و در تیرماه همان سال طی یک اعلامیه تلویحاً به "پاره ای از انتباهات خویش" اعتراف کرده و "میسی سیاسی - شکلیانی" را بعنوان میسی رسمی خود مورد قبول قرار میدهد. لیکن آنجا که این کناره کشیدن در بستری از مبسارزه ایدئولوژیک فعال و آموزش مارکسیستی لنینیستی نبود، بویسا برای امکان زدن تمام آثار و عوارض آن نمی توانست وجود داشته باشد، بدین لحاظ این

آثار و عوارض در تمام می سازمان به بقای خود ادامه داده و بخلاوه گرایش رویزیونیستی که در بین سازمان موجود بود، اینک امکان رشد بیشتری می یافت، کناره کشیدن میسی چریکی از آنجا که با نقد کمونیستی همراه نبود و آلترناتیوی انقلابی را مطرح نمی کرد، اینک زمینه پیشروی نظرات رویزیونیستی را فراهم می نمود. در چنین هنگا می که میسی چریکی کناره کشیده بود دیگر تضاد اساسی سازمان نه میسی چریکی، بلکه گرایش رویزیونیستی و راستروا به حاکم بود. میسی چریکی اگرچه سنگل رفرمیستی و پراکمانیستی کنار گذاشته شده بود، لیکن دیگر وجه غالب انحراف سازمان را تشکیل نمی داد، بلکه این وجه غالب عبارت بود از میسی راستروا به و میسی رویزیونیستی که به معنای سیاست هدایت کننده سازمان در تمام عمرهای فعالیت عمل می کرد.

گرایش رویزیونیستی که جدا راهی انجما مگانی

مقابل رد میسی چریکی یک آلترناتیو لیبرالیستی - رویزیونیستی قرار می دهد و سمت گیری طبقاتی خود را مشخص می گرداند. در واقع جریان اپورنوئیستی حاکم با نفی میسی خرده بورژوازی چریکی به سمت پذیرش میسی رویزیونیستی - بورژوازی میل می کند و طی یک روند، در بستری از تحولات طبقاتی ناسی از قیام، سنجگیری خویش را به جانب بورژوازی ادامه داده و بلاخره به جبهه رویزیونیستی و بورژوازی در میغلط.

آنچه که سازمان چریکهای فدائی در پیش میگیرد نشانگر واکنش این سازمان در رد میسی چریکی است، واقعیت نشان می دهد که جریان حاکم از موضع رویزیونیستی به نفی میسی چریکی پرداخته و سپس آلترناتیوی که ارائه می دهد جزیک آلترناتیوی رویزیونیستی چیزی دیگری نیست. در حقیقت اینان جوهر همان خطی را در سیاست خود وارد میکنند که حزب توده، این کارگزار سوسیال امپریالیسم تبلیغ کرده بود و "گروه متشعب" آنرا دنبال نموده بود.

آنچه که سازمان چریکهای فدائی در پیش میگیرد نشانگر واکنش این سازمان در رد میسی چریکی است، واقعیت نشان می دهد که جریان حاکم از موضع رویزیونیستی به نفی میسی چریکی پرداخته و سپس آلترناتیوی که ارائه می دهد جزیک آلترناتیوی رویزیونیستی چیزی دیگری نیست. در حقیقت اینان جوهر همان خطی را در سیاست خود وارد میکنند که حزب توده، این کارگزار سوسیال امپریالیسم تبلیغ کرده بود و "گروه متشعب" آنرا دنبال نموده بود.

این کارگزار سوسیال امپریالیسم، تبلیغ کرده بود "گروه متشعب" آزاد سال نموده بود. زمانی که این جریان، میسی چریکی را کنار گذاشت، "عنا را انرا نزدیک حاکمیت خلق" را مطرح کرد و مطرح ساخت که شعار جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگرشمار آبارتسی میوجب روانه بؤده زیرا این شعار:

"در مرحله کمونیستی سبب به سندیستما دهی جریان های غیر بیرونی با جنش کارگری منجر خواهد شد". (باز هم وظایف اساسی - آذر ۵۷)

سیاست جدید جز معنای گرنش در مقابل بورژوازی و نفی رهبری بیرونی را برانقلاب جبردیگری میسی سوابست یا ندوس میمانا همدوم که سازمان چریکهای فدائی ملهم را گرایش رویزیونیستی مسلط به حساب آنگا از دولت ارشامی بازرگان برمی خیزد و جریان حاکم با نفی میسی چریکی می رود که مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی بورژوازی و سرمایه داری وابسته و سرانقلاب قهرآمیز را نفی می نماید (۲)، ناچائی بیسی بی رود که ملح طبقاتی تحت حاکمیت بورژوازی را سوبیدی دهد و در مذاکره با سران برجع رژیم و آنیم فرد منجوری چون بهیسی مطرح می سازد که در صورت تحقق سازش حاضر است در مقابل نیروهای انقلابی در کناره بورژوازی باستند، حاضر است در برابر "کموند" نارد ها "با" و "رسانی ها" دست اندازد (۳).

(۲) - رجوع توده ضمیمه بیکار ۴۷، تحت عنوان "تنها جمگرتنده رویزیونیسم علیه مارکسیسم لنینیسم"، (۳) - رجوع توده مذاکرات دوتن از رهبران جریان رویزیونیستی (فرخ نگهدار و مدنی) با بهیسی.

سودنیز مواجدا متاومت گرایش انقلابی درون سازمان بود، ولی حرکت اساسی حاکم بر سازمان را منازگر کرده و خود را در میسی مواضع سیاسی راجع به اساسی ترین مسائل ملی و بین المللی منطوری - ساخت. بدین لحاظ انحراف اصلی که سازمان را در خود میغرد، از این بین همان انحراف رویزیونیستی بود که در موضع مسلط قرار گرفته بود.

در چنین مقطعی است که میسی لیبرال آوارسیتی جریان حاکم بر سازمان جای خود را به میسی لیبرال رویزیونیستی حاکم می دهد. خط انحراف مواجدا متاومت گرایش انقلابی (هرچند بدون انجما مودارای انقراط) بود و بدین لحاظ نمی توانست تنها یکبار میدان سیاست باشد، ولی در یک برآمد عمومی و حرکت کلی این خط اعمال هزموسی می نمود.

در چنین مقطعی میسی لیبرال آوارسیتی کیسه ابتدا در سازمان "سیرد علیه دیکناسوری ناه" انکسای می یافت، در شعار "حاکمیت خلق" خود را اندام می - یخند و این شعار دقیقاً با نفی هزموسی طبقه کارگر برانقلاب عین بود. جوهر لیبرالی این میسی خود را در عدم عماد به بیرونی را و نزل در برابر بورژوازی لیبرال مسلکی می ساخت. بخلاوه در جریان غلبه رویزیونیسم بر میسی مواضع سازمان میسی ایدئولوژیک سانسریستی سازمان به میسی ایدئولوژیک رویزیونیستی تبدیل می شود. جریان حاکم پیش از پیش در جهت شکست این میسی ایدئولوژیک میگوید سنجوی که مرز - بندی مقدماتی سازمان با رویزیونیسم خروشقی آهسته آهسته کمربند شده و یکتا میسرود، حمایت از توری "سوسیالیستی" طرح می شود و حمله مستقیم آنکار به تن به اصطلاح ارشامی سوسیال امپریالیسم آغاز میگردد. بدین ترتیب متوجه می شویم که جریان حاکم در

ما ساآیک همخوانی و همخوانی وجود دارد. ما سئوال می کنیم، چه تفاوت اساسی بین این دو نظرگاه را چه به طرفیت انقلابی و فدا انقلابی طبقات وجود دارد؟ مگر نه اینکه بورژوازی و دولت حاکم مورد پشتیبانی و تا شیه هر دو نظرگاه است. و هیئت حاکمه و دولت آن فد امپریالیست قلمداد می گردند؟ ما سئوال می کنیم، مگر نه اینکه وظایف کمونیستها از دیدگاه هر دو جریان حمایت از دولت ارتجاعی حاکم، نفی مبارزه طبقاتی و انقلاب و کوشش در با نقیاد کشیدن طبقه کارگر در چارچوب نظام حاکم است؟ ما سئوال می کنیم، مگر نه اینکه انتزاعیونان لیسم پرولتری از دیدگاه هر دو جریان مترادف با حمایت از سوسیال امپریالیسم شوروی و طرح "ردوکا سوسیالیستی" می باشد؟ (البته با این تفاوت که حزب توده کارگزار سوسیال امپریالیسم است و کاملاً و بطور همه جانبه در گنداب رویزیو - نسیم غوطه وراست).

بدین ترتیب می بینیم مضمونی که از "پورتو - نسیم" است "حزب توده از جانب جریان رویزیونیستی اکثریت استنباط می شود، همان مضمونی است که در مورد خود این جریان نیز قابل تعمیم می باشد. بر این اساس روشن می شود که اگر جریان رویزیونیستی اکثریت یا حزب توده خاستن نمی تواند در رابطه با نفی جریکی مرزبندی نماید، بدین دلیل روشن است که در مسائلی ایدئولوژیک خود قاطعاً مرزبندی با حزب توده می یابد. بمعنای دیگر اینکه از آنجا که این جریان خود رویزیونیست می باشد، بنا بر این موضوع در اساسی ترین مسائل جنبش طبقه و توده ها، انقلاب و فدا انقلاب و مسائل جنبش کمونیستی بین المللی و ایران با مواضع حزب توده انطباق می یابد. بدین لحاظ انطباق دیدگاه هر دو رویزیونیستی اکثریت در باره نفی جریکی با دیدگاه حزب توده در همین زمینه امری اجتناب ناپذیر می گردد، یعنی هر دو جریان در یک نقطه یکدیگر را تلاقی می کنند. این نقطه همان رویزیونیسم است.

متفاوتی که از مسائل عملی کنونی (منظور خط ویرنا مه، تحلیل حاکمیت و... میباشد) پیکار با "حزب توده" داریم، مرزبندی خود را با این جریان مشخص می کنیم. درک متفاوتی که ما از طرفیت انقلابی و فدا انقلابی طبقات اجتماعی و وظایف اساسی ما رکنیت - لنینیت ها در مبارزه طبقاتی داریم، درک متفاوتی که ما با "حزب توده" از انتزاعیونان لیسم پرولتری داریم، ما را بر آن می دارد که از قبل بتوانیم مشخص کنیم که مثلاً ابورتونیسم راست حاکم بر "حزب توده" چه تحلیلی از موقعیت مشخص امروز ارائه داده و چه وظایفی را برای کمونیستها در شرایط کنونی توصیه و تا کید می کند.

(اکثریت و مسئله اقلیت، ضمیمه کار شماره ۶)

این مقاله اولین مقاله ای است که در آن جریان اکثریت بطور آشکار به نفی نفی جریکی پرداخته و به قول همین مسئله به مرزبندی با دیدگاه حزب روانه می پردازد. طبعاً این مرزبندی با دیدگاه حزب روانه از موضعی راست روانه صورت می گیرد و مسئله ای که این جریان رویزیونیستی نمی تواند با انحراف راست - روانه رویزیونیستی در برخورد به نفی جریکی مرز - بندی کند، او نمی تواند با این انحراف مرزبندی کند زیرا خود با این دیدگاه با انحرافی مرزبندی ندارد.

این مسئله را بیشتر توضیح می دهیم:

ما از نتایج تفاوت آنکار رجلات بالا درمی گذریم. ولی مسئله اساسی اینجا است که جریان اکثریت نمی تواند با حزب توده برخوردی جریکی خط کشی کند. او از "ابورتونیسم" است "محمت می کند ولی اولاد این "پورتونیسم" را در رابطه با دیدگاه حزب توده درباره طرفیت انقلابی و فدا انقلابی طبقات، وظایف بازگشتها و انتزاعیونان لیسم پرولتری از جانب می می کند. و به در رابطه با نفی جریکی و اساساً - اطلاق "ابورتونیسم" راست به حزب توده از جانب جریان اکثریت یک شمار توالی است. چرا؟ زیرا که در تمام موارد فوق بین نظرات حزب توده و جریان رویزیونیستی اکثریت

در مقاله "اکثریت و مسئله اقلیت" (کا ز ۶۱) پیکار دیگر مرزبندی رویزیونیستی جریان رویزیونیستی اکثریت مشخص می شود. این جریان اگر چه در مشی جریکی را از جانب خود "شکوفائی مبارزه طبقاتی" پرولتاریا در وجه ایدئولوژیک آن قلمداد می کند، ولی حقیقت این است که هر نفی ای، نفی پرولتری نمی باشد. می توان نفی جریکی را از زاویه ای خرد - بورژوازی و یا لیبرال - رویزیونیستی مورد نفی قرار داد. بیرواضح است که نفی لیبرال - رویزیونیستی نفی جریکی نه به نفع پرولتاریا، بلکه دقیقاً بمعنای سمنگیری مشخص به جانب بورژوازی میباشد.

در این مقاله که محور اساسی آن در انتقاد به مشی جریکی است جریان رویزیونیستی بدینال نفی مشی انقلابی (ولی خرد بورژوازی) جریکی قادر نیست تا انتزاعیونان انقلابی پرولتری ارائه دهد. این جریان از نفی نفی جریکی به نفی نفی انقلابی می رسد. به این معنا که پس از خط کشی کردن با مشی آوانتوریستی جریکی با مبارزه مسلحانه جدا از توده بطرح مبارزه مسلحانه توده ای و استنباط توده ای از نفی نفی - بردارد. این جریان رویزیونیستی نفی جریکی را نادرست ارزیابی می کند، ولی نمی گوید که آلتز - نانیو در برابر مبارزه مسلحانه جدا از توده چیست؟ او از طرح انقلاب توده ای قهر آمیز در راه استقرا ر جمعوری دموکراتیک خلق برهبری پرولتاریا فطره رفته و آنرا آگاهانه به طاق تسبیان می گوید.

**چرا سازمان جریکهای فدائی نمی تواند با حزب توده مرزبندی کند؟**

مرزبندی رویزیونیستی جریان رویزیونیستی اکثریت با نفی جریکی هنگامی با روتر می گردد که ما متوجه می شویم که این جریان نمی تواند با دیدگاه و درک حزب توده رویزیونیست در این مورد مرزبندی کند. میدانییم که حزب توده بر اساس نفی رویزیونیستی خود با ما مخالف اعمال نفی توده ای و انجام انقلاب می باشد. زمانیکه حزب توده علیه نفی جریکی و انقلاب بسوی جریک هرزه درائی می کرد، ضدیت خود با نفی انقلابی علیه ارتجاع را بنمایان می گذاشت. البته حزب توده مخالف مداهله و کودتای نظامی اربابان روسی خود نمی باشد، او مخالف کودتای نظامی و اقدامات مسلحانه وابستگان و طرفداران سوسیال امپریالیسم نمی باشد، او مخالف سرخخت قهر انقلابی و انقلاب مردم می باشد. و مخالف با مبارزه جریکی از همین موضع ارتجاعی بود. حزب توده بر اساس نفی رویزیونیستی و تسلیم طلبانه خود با قهر انقلابی نهفته در مشی جریکی ضدیت می ورزید.

با توجه به این مسئله جریان رویزیونیستی اکثریت قادر نیست به مرزبندی با حزب توده بپردازد. زیرا خود از موضعی رویزیونیستی به رده مشی جریکی می پردازد. در برخورد به رفقای اقلیت جریان رویزیونیستی اکثریت می نویسد:

"سخن سازمان همواره آن بوده است که تا زمانی که یک رسته شوروی های عام و جهان شمول مارکسیست لنینیستی مورد قبول ما نباشد، بحث بر سر خط ویرنا مه، تحلیل حاکمیت، تحلیل موقعیت و وظایف ما - هرگز به نتیجه و احد نخواهد رسید... همانگونه که اشتباهی بزرگی خواهند بود هرگاه تصور کنیم که ما از طریق تحلیل های

**"پاکسازی" در ارتش یعنی چه؟**

سیستم سوسی و خرجینی بر علیه مخالفین و تصفیه و اعمال فشار علیه آنها اکنون بدام مری رایج و روزمره در مسائلی ارکانهای دولتی بدل گشته است. این امر در ارتش و دیگر نیروهای نظامی می باشد هر چه بیشتر دنبال می شود. همانطور که در سند زیر می ملاحظه می کنید، رکن ۲ (فدا طلعات ارتش) و رکن ۳ مرکز آموزش، خطاب بیک انفراساختی از او خواسته اند که با ملاحظه کسانیکه "در خط انقلاب معرفی می یابد، بدینجهت است از نظر ابنا "در خط انقلاب" بودن یعنی همچون کوششهای سربزیر ویا برادرین، فرامین فرماندهان ارتشی را یک بیک و بدون کم و کاست اجرا کردن بدون هیچگونه اعتراضی در خدمت کشتار و سرکوب خلق کرده ترا رگرفتن. در فرهنگ ایسان انقلابی کسی است که با میل و رغبت تریک جنایات رژیم پادشاهیگونه عمل مخالفی علیه نظام حاکم از او سرزند. منظور آنها از کسی که "در خط انقلاب نیستند" وابستگان به رژیم پادشاهیست، چون هنوز فرماندهان مزدور گذشته بپیکارند. منظور آنها پسران انقلابی درون ارتش است نه چیز دیگر. سند مقابل نمونه کوچکی است از آنچه توطئه های رژیم حاکم علیه پسران انقلابی ارتش

فرماندهی ارتش  
کمیته مرکزی  
کمیته منطقه  
کمیته شهرستان  
کمیته ناحیه  
کمیته استان  
کمیته مرکز  
کمیته استان  
کمیته شهرستان  
کمیته ناحیه  
کمیته استان  
کمیته مرکز

# جنگ قدرت در "بالا" ماهیت آن و وظایف نیروهای انقلابی (۳)

باید هر دو را خفه کرد .  
انقلابیون باید بگویند تا به تظاهرات هیئت  
حاکمه‌ها من بزنند و جانی آنرا بیش از پیش تضعیف  
نمایند . انقلابیون سیاست توسعه بخشدن به مبارزه  
طبقاتی را هیچگاه نباید فراموش کنند و برای ایمن  
منظور تا کشیک انقلابی‌ها من زدن به تظاهرات "بالائی"  
را نباید مدنظر قرار داد . اما من زدن به تظاهرات هیئت  
حاکمه در خدمت مبارزه طبقاتی است حال آنکه سازش  
بایستی از هیئت حاکمه در تضاد با منافع انقلاب می -

خود به سازش با جناحی از هیئت حاکمه روی آورده است  
و بر این سیاست سازشکارانه فشار می‌کند و بی -  
اعتنا به مصالح انقلاب به امتیازات جزئی از بورژوا -  
زی دلخوش کرده است ،  
امروز در شرایطی که نیروهای کمونیست و انقلابی  
منکی بر دم مکرر تسمیه مکرر از نفوذ گسترده‌ای در میان  
طبقه کارگر و سایر طبقه‌ها برخوردار نیستند ،  
آری در چنین شرایطی بیش از هر زمان دیگر  
وظایف خطیر و سنگینی بر دوش کمونیستها و دیگر

● امروز واقعیت اینست که بخصوص جناح لیبرال‌ها مورد حمایت امپریالیستها و ارجله امپریالیسم آمریکا  
می‌باشند . گفتار آن سرریسی جنایات شاه که به ابتکار جناح بنی صدر برگزار شد مورد حمایت مستقیم  
بخشی از امپریالیسم آمریکا و حداقل بخشی از امپریالیستها و اروپائی بود این امر نمونه کوچک ولی باارزی  
از ماهیت ارتجاعی باند بنی صدر را بنمایش می‌گذارد . حال آیا انقلابیون باید لیبرال‌ناتی بنی صدر را  
به پای "دموکرات" بودن او بگذارند و یا به پای عوام‌فریبی این بخش از بورژوازی ؟

باشد . تظاهرات درون هیئت حاکمه یک واقعیت است ،  
لیکن انقلابیون بهیچوجه نمی‌توانند به این تظاهرات  
و یا بخشی از هیئت حاکمه ارتجاعی بیکه نباید و عملاً  
سازش انقلاب را تکمیل کند . انقلابیون بیکسر  
باید به مبارزه و فصل‌ار همه به طبقه کارگر بکنند ،  
آن‌ها باید به مبارزه طبقاتی در جامعه توسعه روز -  
افزون آن انگازد ، نمایند ، انقلابیون بیکسر باید با  
دیدن به مبارزه سرک سوده‌ها ارتجاع را بسط بلایی  
و یا بودی تطبی می‌دهد .

انقلابیون قرار دارد ، این وظایف خطیر عیار رست از توسعه  
مبارزه طبقاتی سوده‌ها و رندارک همه جا باشد انقلاب .

## سازش طبقاتی یا ادامه مبارزه طبقاتی ؟

روبروی سیاستهای حزب سوده ، ساجائی و بحسن  
اکثریت سازمان جریکهای فدائی مطرح میکنند که  
رژیم کمونیستی "فدا میرا لیس" می‌باشد و سایر  
سازش‌ها را آن دفاع کرد ، اما من به مبارزه طبقاتی و ملی  
نموده‌ها فرمان است داده و می‌باید بگویند تا از  
وقوع انقلاب جلوگیری کنند ، این سیاست روبروی س -  
یستی کاملاً در خدمت بورژوازی سوده و علیه پرولتاریا -  
ریا و سوده‌های ستمدیده می‌باشد ، کاملاً برخلاف  
رویزونیستها ، کمونیستها را ستین باید به مبارزه  
نموده‌ها کمک رساندن آنها این مبارزه را انقلاب  
کسیده‌سود . از نظر کمونیستها رژیم‌ها کم‌بهره‌ترند  
امپریالیست نبوده و تنها سیاست بیکسر در تامل رژیم  
حاکم‌آدا به روشندلانه مبارزه طبقاتی و ملی است .

رهبری سازمان مجاهدین خلیج می‌کنند که  
رژیم کمونیستی "فدا میرا لیس" می‌باشد و سایر  
سازش‌ها را آن دفاع کرد ، اما من به مبارزه طبقاتی و ملی  
نموده‌ها فرمان است داده و می‌باید بگویند تا از  
وقوع انقلاب جلوگیری کنند ، این سیاست روبروی س -  
یستی کاملاً در خدمت بورژوازی سوده و علیه پرولتاریا -  
ریا و سوده‌های ستمدیده می‌باشد ، کاملاً برخلاف  
رویزونیستها ، کمونیستها را ستین باید به مبارزه  
نموده‌ها کمک رساندن آنها این مبارزه را انقلاب  
کسیده‌سود . از نظر کمونیستها رژیم‌ها کم‌بهره‌ترند  
امپریالیست نبوده و تنها سیاست بیکسر در تامل رژیم  
حاکم‌آدا به روشندلانه مبارزه طبقاتی و ملی است .  
سازمان مجاهدین خلیج می‌کنند که باید از  
جناحی از بورژوازی یعنی جناح بنی صدر در مقابل  
حزب جمهوری اسلامی حمایت نمود ، رهبری این سازمان  
بر اساس این سیاست کاملاً سازشکارانه و لیبرالیستی  
مبارزه علیه "لیبرالهای مرتجع" را متوقف ساخته و  
عملاً به با رتوهم‌نموده‌ها می‌افزاید ، بنظر ما تظاهرات  
که ما بین این دو جناح وجود دارد ، همانطور که گفتیم  
فاقد ماهیت مترقیانه نبوده و این تظاهرات برینا قسمی  
ارتجاعی قرار دارد ، این دو جناح برینا به موقعیت  
تولیدی متفاوت خود و سیاستهای گوناگون خود بسیار  
بیکسر اختلاف دارند ، لیکن این اختلاف بر سر مبارزه با عدم حمایت  
مبارزه علیه امپریالیسم نیست ، بر سر حمایت با عدم حمایت  
از خلق نیست ، این اختلاف بر سر چگونگی ادا رهنظام  
سرما به داری و بسته و چگونگی سرکوب انقلاب سوده‌ها  
می‌باشد ، این دو جناح هر دو دشمن انقلاب مردم‌اند ،  
در دعوی بین دزدانها جانب هیچک را نباید گرفت ،

پیغمبر در صفحه ۱۲

ما در شما راه‌های گذشته در رابطه با تشدید تظاهرات  
درون هیئت حاکمه و ماهیت آن توضیحاتی داده و  
کوشیدیم تا علت بحران در "بالا" را بشناسیم ، در اینجا  
در پی آن هستیم تا وظایف نیروهای آگاه را در چنین  
شرایطی مختصراً تشریح نمائیم :

## وظایف نیروهای آگاه

امروز جامعه ما در شرایط اعتلا قرار داشته و  
بحران اجتماعی اقتصادی موجود مبارزه طبقاتی را  
باز هم آشکار و توسعه خواهد داد ، طبقه کارگر و سایر  
نوده‌ها که زیر فشار سنگین ستم و استعمار هیئت حاکمه  
و امپریالیستها قرار دارند ، بیش از هر زمان دیگر  
استعداد دگرگونی جهت توسعه مبارزه از خود نشان می -  
دهند ، نوده‌های خلق با انگازد ، به تجربه و سنت مبارزاتی  
خود ، تحت تاثیر فعالیت آگاه‌ها که راه‌های نیروهای کمو -  
نیست و انقلابی و مبارز را بیکسری مبارزه خلق فیرمان  
گردانند و ... بیش از پیش در می‌یابند که حکومت  
جمهوری اسلامی ما هیئت‌آنها توان از سر آوردن خواست -  
های حق طبقاتی آنها است ، نوده‌های مردم می‌بینند  
که بیکسری ، نورم و کراتی ، فقر و فلاکت و ستمگری‌های  
سیاسی و سرکوب آزادیها و دموکراتیک نه تنها از پیش  
ترفته ، بلکه همچنان ادامه پیدا میکند و سایر شرایط  
دعوت‌رزی برای زندگی آنان بسیار می‌آورد ، آنان  
می‌بینند آنچه که رژیم اسلامی می‌گوید جز دعوی مغربسی  
و فریبکاری چیز دیگری نیست و عدل اسلامی "این رژیم  
جز نظم و ستم برای زمینکنان معنای دیگری ندارد ،  
آنان می‌بینند که سران رژیم جمهوری اسلامی برای  
داشتن سهم بیشتری از قدرت سیاسی امروز بجان یکدیگر  
افتاده ، "احوت اسلامی" (!؟) خود را فراموش کرده و  
بیش از هر زمان دیگر ماهیت مدمردمی ، دغلاکارانه و  
رسوای خویش را بنمایش گذاشته‌اند .

در این اوضاع ، نومه‌ها و ورهای احراقی مردم  
زمینکنان نسبت به این حکومت به سرعت در هم می‌کنند و  
آنان اعتماد خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش  
از دست می‌دهند ، امروز در شرایطی که تظاهرات درونی  
هیئت حاکمه شدید شده و هر چه بیشتر سوده‌ها و دسا شس  
"بالائی"ها بر ملا می‌نمود ، سوده‌های مردم بطور روزافزون  
درک می‌کنند که "رژیم عدل اسلامی" رژیم سوده‌گر و  
مردم‌فریب است ، رژیم است که نه در جهت منافع  
خلق ، بلکه دوست امپریالیسم است و بر ضد منافع خلق  
و انقلاب عمل می‌کند و بر عکس سوده‌ها هر چه بیشتر درک  
می‌کنند که نیروهای انقلابی و کمونیست تنها مدافعان  
راستین انقلاب می‌باشند .

بدین ترتیب امروز در شرایطی که زمینه‌گسترش  
مبارزات سوده‌های آگاه و زمینه‌ساختن توهیم  
نوده‌های زمینکنان بیش از هر زمان دیگر فراهم آمده  
است ، امروز در شرایطی که نیروهای ارتجاعی پیشین  
کدام قدرت و روابط آنها در می‌گویند تا توده‌های جدا  
نوده از رژیم کم‌راست خود متمایل سازند ، نیرو -  
هایی که با کمک مستقیم امپریالیستها و با امکانات  
گسترده از قبیل رادیوها ، امپریالیستی مذبح‌ها  
می‌کوشند تا سلب اعتماد توده‌ها از رژیم جمهوری اسلامی  
را به انما دنسیت به تظاهرات‌ها می‌کنند و نوکرانسی  
چون بخشیا روتا و ... بدل نمایند ،

امروز در شرایطی که نیروی ما بنده‌ها اکثریت  
سازمان جریکهای فدائی به جبهه روبرویونیستها  
پیوسته و رابطه خود را با جهان بینی علمی طبقه کارگر  
یکلی قطع کرده است و به بورژوازی خدمت میکند و نیز  
نیرویی ما ننده‌ها سازمان مجاهدین بر اساس نا بیکسری

گزارشی از مبارزات خونین صیادان زحمتکش «نوشهر»

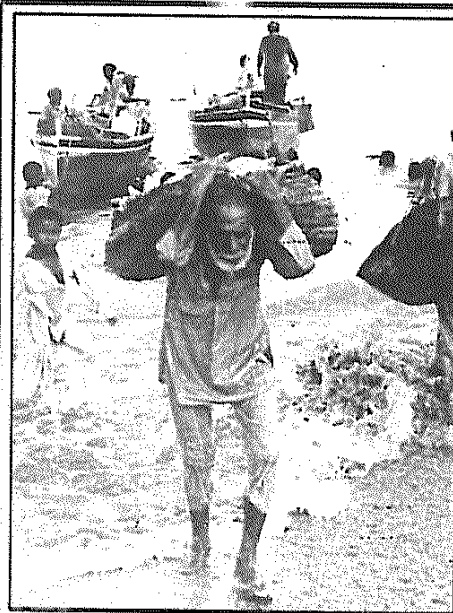
صیادان زحمتکش می رزمند، ارتجاع می لرزد

ما هیگبران از جمله محرومترین زحمتکشان میهن ما هستیم. این قشر زحمتکش برای بدست آوردن لقمه نان، خطر مرگبار رطوفان و سیل راجان خربسده و ساعتها بر سر تورها و قلابهای ماهیگیری، چشمه دریا می دوزند. با این امید که شنانگه با دستی پر، بیش زن و بچه های گرسنه خود با زگردند. دریا، تنها مصدر درآمد صیادان زحمتکش است و ماهیگیری در آن حق مسلم آنهاست.

رژیم جمهوری اسلامی از آغاز حاکمیت خود، با رها و بارها، زحمتکشان ما هیگبران را مورد حمله قرار داده است و کشتار صیادان زحمتکش بندرانزلی، نمونه برجسته این سیاست سرکوبگرانه رژیم بود. اخیراً صیادان زحمتکش نوشهر نیز، به بیانه «صد بدون مجوز» مورد هجوم وحشیانه ساداران قرار گرفتند و با اینکار، رژیم جمهوری اسلامی، خاطر هکتار صیادان بندرانزلی را برای چندمین بار تکرار کرد. گزارش زیر، جریان مبارزات صیادان زحمتکش نوشهر است:

عصر روز شنبه ۵۹/۳/۱۷ حدود ۱۵ نفر از ما هیگبران «نوشهر» بهنگام صیدماهی مورد هجوم ساداران سرما به قرار گرفتند. در اثر تیراندازی شدید ساداران، یکی از صیادان زحمتکش از ناحیه دست و فک مورد اصابت گلوله قرار گرفت، که به علت وخامت حال وی، او را از نوشهر به تهران انتقال دادند. بدنیال این یورش وحشیانه، ما هیگبران با دلی مالامال از نفرت به شهر ریخته و به شدیدترین وجهی دست به تظاهرات زدند. آنها در حالیکه زنده خنجرها فروخته بودند، به ساختمان فرمانداری حمله کرده و تا بلوفا ساداری و شیفته های ساختمان را شکستند، ما هیگبران زحمتکش با دادن شمارهایی از قبیل «با سادار خد خدای اعدام یا بید کرده»، «الله اکبر»، «زحمتکشان بدانید صیاد ما نهیدند» و «زحمتکش بیروز است، سرما بیدارنا بود است»، نفرت عمیق خود را از رژیم سرما بیداری جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگرش ابراز می نمودند. در حین تظاهرات، آنها چند بار در مسجد جمع شده و از ما جمعه شهر خواستند که فوراً عاملین این هجوم و تیراندازی وحشیانه را معرفی و در دستگیری این جنایتکاران اقدام نماید، اما، او با انواع حيله و وعده های در تفرقه اندازی بین صیادان زحمتکش داشت ولی تمام صیادان متحدانه، با دادن شعار «تفرقه وجوداتی سلاح با ساداران است» توطئه های تفرقه اندازنده ما جمعه را خنثی نمودند. شهردار نوشهر نیز بیکیار رنخته و با سوء استفاده از آشائکی با چند تن از صیادان، بنحوی میخواست آتش خشم ما هیگبران را فرو راند، اما هوشیاری آنها، نقشه های شهردار را نیز بی اثر گذاشت.

ساعت ۱۲ شب سه تن از صیادان بداخل مسجد رفته و از طریق بلندگو از مردم خواستند که برای اعتراض به جنایت ساداران و پیرای حمایت از خواسته های بیجق صیادان زحمتکش به آنها ملحق شوند. این تظاهرات تا ساعت ۱/۵ با مدا و بطول انجام میدوید و بالاخره با ایجاد دعوائی مصنوعی از طرف عوامل سیاها ساداران که بین تظاهرات کنندگان رخنه کرده بودند، پایان یافت. روز یکشنبه ۵۹/۳/۱۸، عاملین حوادث شب گذشته، برای توجیه جنایت خود و با این بیانه که «فد انقلابیون!! با ما جمعه توهین کرده اند، از مردم خواستند که نمازهای خود را بسته و در مسجد گردآیند.



۱۵۰۰ نفر از مردم زحمتکش در بیدارگه رژیم حضور داشته و زندانیان را مورد تشویق و حمایت خود قرار دادند. ارتجاع از این پشتیبانی مردم از انقلابیون بخشم آمده و با ایجاد محدودیت هایی از ورود مردم به جلسه محاکمه جلوگیری نمود، تا آنجا که در روز دوم، فقط حدود ۴۰۰ نفر در جلسه شرکت داشتند. بنا به همین خسر احتمال ایجاد مجدد زندانیان انقلابی، نیز وجود دارد اما تا کنون از هیچ مقطعی محاکمات اطلاعی در دست نیست.

بیروز با دمبارت زحمتکشان ایران

و همه شان به نایبگیری یک منی و سیاست است. نشانه تزلزل طبقاتی یک نیرومی باشد. و با یک گفت این مسائل نشانها و اهمیت منی خاکم بر زمان ما هدین خلق است.

کمونیستهای و انقلابیون بیکیاره توهن توده ها دایمنی زند و نبوده های را که در حال کنده شدن از رژیم خاکمی با ساداران جناحی دور و بی جناح دیگر متغییل نمی سازند، آنان طبقه کارگر و سارونده ها را از کل رژیم طبقاتی موجود دور می کنند، آنان می کوشند تا تمام رسته های که افکار توده ها را با بخش های مختلف هیئت حاکمه پیوند می دهد، بطور قاطع قطع نماید. کمونیستهای با بدچهره، فریبکارانه همه بخشهای بورژوازی و خرده بورژوازی مرده تریک در قدرت را بین مردم افشاء کنند.

امروز وضعیت این است که بخصوص جناح لیبرالها مورد حمایت امپریالیسمها و از جمله امپریالیسم آمریکا می باشد. "کنفرانس بررسی حنایات ناه" که به استکار ربنی مدرکزرا رند، مورد حمایت مستقیم بخشی از امپریالیسم آمریکا و حداقل بخشی از امپریالیسم های اروپائی بود، این امر نمونه کوچک ولی بارزی از ما هیئت ارتجاعی با بدبینی مدررا بنمایش میگذارد. حال آیا انقلابیون با بدلیبرال شائشی بنی صدر را به پای "موکرات" بودن او میگذارند و با به پای عوام فریبی این بخش از بورژوازی؟

بلکه کمونیستهای با بدما هیئت طبقاتی و سیاستها و عملکردهای همه بخش های بورژوازی را افشاء کنند و در میان توده ها بیش از پیش ایده انقلاب را تبلیغ و ترویج نمایند. با بدفعا لانه کوشیدند در شرایطی که بقیه در صفحه ۱۳

هدف این جنایتکاران، برپائی یک راهبیمائی ضد کمونیستی بود، اما فقط حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر به مسجد رفتند. بدنیال شکست این نقشه ارتجاعی، آنها به دهات اطراف چالوس رفته و حدود ۳۰۰ نفر از دهقانان ناآگاه را به نوشهر آوردند. رهبری این عده را چند نفر از اهالی ده "سیوا" که از افراد نیروی پاسبداری زمان شاه و از جناحداران حرفه ای آن زمان میباشند، بعهده داشتند. این عده به همراه حدود ۳۰ نفر از وابستگان و قداره زندان نوشهری با انجام یک راهبیمائی ارتجاعی بر رهبری عاملین جنایت شب گذشته، آنجنان فضای رعب و وحشتی در شهر ایجاد کردند که تقریباً شهر به حالت تعطیل درآمد. مزدوران و وابستگان رژیم، در حالیکه شعارهای فر علیه نیروهای انقلابی و مترقی سرداده بودند، حدود ۷۰ نفر از صیادان زحمتکش و جوانان انقلابی شهر را مورد وحشیانه ترین حملات و ضرب و شتم قرار دادند. طی این یورش ۲۵۰ نفر از صیادان مبارز و انقلابیون دستگیر شدند. شهر تا سه روز بید، همچنان در منتخج بود و قداره زندان مدافع رژیم، با ارتعاب و ایجاد وحشت همچنان در پی دستگیری انقلابیون بودند. چند روز بعد یعنی از ۱۲ نفر از دستگیرشدگان بقیه آنها آزاد شدند. آخرین خبری که از افراد زندانی رسیده حاکی از آن است که آنها را در چالوس و در جلما ت علی محاکمه میگردند. توضیح اینکه برگزائی طبعه محاکمه، بصورت علمی، نخبست فنا را عتبا ب غذای زندانیان انقلابی بوده نسه بخواست رژیم جمهوری اسلامی. روز اول محاکمه حدود

بقیه از صفحه ۱۱ جنگ...

خود را در مقابل حزب جمهوری اسلامی تثبیت کند و با حتی زمانی که منافعی را ایجاد کند و متلا به وحدتی موضعی با رقیب برسد و فاداش تخفیف یابد، آنگاه علقه همین سازبجان مجاهدین نیز به عرض دست می رسد. ما جزای دکترا بیت اجازه دادنا در ابتدائی صدر بکوشیدیم تقویت موضع خود بپه گیری نباید، ولی بعداً بنی مدرو حزب جمهوری اسلامی به نوافتها شکی رسیدند. ما جزای آیت رایک امرفردی طوه داده و بدنیال آن حتی لحن جناح بنی مدرست به سازمان مجاهدین تغییر کرد.

البته این مسائل به معنای آن نیست که اختلافات در هیئت حاکمه برای همیشه تخفیف پیدا کرده است، خیر! این اختلافات با زهم و ج گیری خواهد کرد، ولی مسئله اصلی اینست که بورژوازی برای مقامد خود آنکا که با کندی به نیروهای متزلزل روی می آوردنا خود را تقویت کند و گاه دیگر به همین نیروهای متزلزل سر لگد پرتاب میکند. این منطق طبقاتی بورژوازی مکار و توطئه گر است. رهبری سازمان مجاهدین به منیازات جزئی و حقیر ب لائی ها چشم دوخته است و منافع انقلاب را بدست فراموشی سپرده است. رهبری سازمان بجای آنکا که به توده ها و محفوفه ظرفیت های انقلابی آنان به سیاست سازش طبقاتی روی آورده است. این سیاست نتیجه نایبگیری طبقاتی رهبری سازمان مجاهدین می باشد. عدم مبارزه قاطعانه علیه کل سیستم ممانات با بخشی از هیئت حاکمه ضد خلقی، فدا امپریالیست نشان دادن رژیم کوشی، دو پیلو کفتن ها و عدم صراحت همه جا بنیه در افشای ما هیئت ارتجاعی هیئت حاکمه و مجموعه سیاستهای آن... همه

بقیه از صفحه ۱

## گرانی...

هندوا نه که یکسال پیش هر کیلو ۲۵ ریال بود اکنون ۵۰ ریال است. ویا خیار یا سال کیلویی ۱۵ تا ۲۰ ریال و اما سال ۳۵ تا ۴۰ ریال فروخته می شود. با امداد ۲۲ خرداد قیمت بعضی از میوه ها بحدی گران است که خلعت "سوپرلوکس" پیدا کرده و تنها نصیب خانواده های "سوپربولدر" نیز می شوند. مثلاً نه توت کیلویی ۷۰ تومان یا کیلاس ۳۰ تومان، زردآلو ۲۱ تومان و انگور ۲۵ تومان - کیچان ۳۱ خرداد - البته گرانی تنها منحصر به مواد خوراکی و مواد مصرفی روزمره نیست چرا که مثلاً سیما کیسه ای ۲۰ تومان (اخبار دولت قیمت رسمی سیما هر کیسه ۱۵ تومان رابه ۲۰ تومان افزایش داد) دریا زار بین ۵ تا ۶ تومان بفروش می رسد - با امداد ۲۰ خرداد - ویا قیمت اکثر لوازم بدگی ا توموبیل ها حتی بدهه برابر رسیده است .

بالا رفتن قیمت ها درجا معه دیگر مسئله مقایسه قیمت ها در مدت نسبتاً طولانی چند ساله نیست بلکه مقوله ایست ما ها نه و روزا نه و بسیار سریع با امداد در ۲۴ خرداد از قول خریداران می نویسد " افزایش قیمت اجناس دیگر رفتگی و روزا نه نیست بلکه ساعت به ساعت بقیعت اجناس افزوده می شود". نوشته زیر یک نمونه از هزاران سند است که امروزه بین خریدار و فروشنده رد و بدل می شود.

فروشی می کنند و با اینکار هم جریا از ریان محترم را که در زمان انقلاب فعالیتشان تعطیل بود و از سرمایه خود بدیگران کمک می کردند از زمین می برند... من از شما می خواهم جنس ها را به قیمت مناسب بفروشید و بالاخره آقای خلخال نیز علت گرانی اجناس را مانند آقای منتظری احتکار عده ای از محترمان و گران فروشان میدانند ولی از نظر راه چاره آن برعکس منتظری معتقد است همان روش مبارزه با قاچاقچیان باید در مورد محترمان نیز پیاده شود. وی در زمینه گرانی و راه مبارزه با آن می گوید "من بنا برخواست ملت علاقه زیادی برای مبارزه با محترمان و گران فروشان دارم ولی رسماً این ما موریت بمن محول نشده و بعضی اینکه این تا موریت را بسند من گذاشتند در مورد محترمان و گران فروشان همانند قاچاقچیان اقدام خواهد کرد.

● بنی صد برای اینکه عامل اصلی گرانی و اختلال در تولید را که سرمایه داران و نظام سرمایه داری وابسته می باشد، برده میوشی نماید سعی می کند نقش کارگران را در گرانی در چنین نظام وابسته ای در درجه اول اهمیت قرار بدهد.

● حجم واردات ما از کشورهای امریالیستی که رساله های آخروزیم وابسته و مزد ورپهلوی به اوج خود رسید، بعد از قیام ۵۷ نیز که امکان ادامه یافت، (بدون در نظر گرفتن تسلیحات نظامی). مطابق آمار گزارش بانک مرکزی سال ۵۶ ارزش واردات ما در سال ۵۲ حدود ۳/۶ میلیارد دلار و در سال ۵۶ برابر ۱۴/۱ میلیارد دلار بود. این ارقام هم اکنون مطابق نوشته کیچان ۳۱ خرداد در حدود ۱۲ میلیارد دلار است که ۳/۵ میلیارد دلار آن واردات غذایی تشکیل میدهد.

محترمان با بدیدانند که آدرس و مشخصات آن را در اختیار دارم و به موقع به سراغشان خواهم رفت - کیچان ۳۱ خرداد - ...

اما بنده زحمتکش و بخصوص کارگران آکا به خوبی میدانند که اینها جز حرف بیوجی بیش نیست و تنها برای فریب اذهان توده ها گفته می شوند آنها هرگز به علت - های واقعی گرانی، فحطی و... نمی نرسند و برای از بین بردن ویرانند از آن ماره نکنند.

بقیه از صفحه ۱۵

## علت گرانی از دیدگاه بنی صدر و دیگر مسئولین رژیم و راه حل آن

علت اینهمه گرانی چیست؟ چرا قیمت ها هر روز بیشتر با لایمی رود؟ بنی صدر با سخاوت این سوال را به زحمتکشان چنین می دهد که گویا همه از عراض اجتناب ناپذیر انقلاب است و علت اینکه بعد از قیام نیاید کسور بهبودی در اوضاع اقتصادی حاصل نشده "اختلال-گری" و "زیاده خواهی" کارگران مبارز می باشد! وی می گوید "هنوز اقتصاد ما حرکت نکرده و وقتی که اقتصاد ما حرکت افتاد تولید بیشتر خواهد شد و جلوه گرانی بخودی خود گرفته می شود. امروز که کشور ما بعلت خرابیهای گذشته و وابستگی های اقتصادی و صنعتی احتیاج به سازندگی و کار بیشتر دارد عنوان می شود که ساعت کار با بدکم نبود، وقتی که در محاصره اقتصادی غول آمریکا - نی هستیم باید با تمام قدرت هم خود را وقف صرف تولید بیشتر و خود کفائی کنیم بنام مبارزات و قیام حق ممکن و خوار با رکا رجات و کارگاہی ما رابه تعطیل می کنند." بنی صدر برای اینکه تا معلول اصلی گرانی و اختلال در تولید را که سرمایه داران و نظام سرمایه داری وابسته می باشد، برده بوشی نباید سعی می کند نقش کارگران را در گرانی در چنین نظام وابسته ای در درجه اول اهمیت قرار بدهد. و نقش "معنویت" و "اخلاق" را در بارش آوردن قیمت ها بسیار مهم دانسته و در همین رابطه به مردم می گوید "در حال حاضر با لایق قیمت ها در در صد علل اقتصادی دارم تا بدینوسیله مرزها و محاصره اقتصادی و سود در مدعشت کمبود معنویت است." سایر مسئولین رژیم نظرات گوناگونی دارند. مثلاً آقای منتظری علت گرانی را احتکار فقط بخشی از "تجار محترم" سازار نهان میدانند و در مساجد زما عت در قیام زانها می خواهد برای حفظ آبرو و حیثیت انقلابی خودتان احتکار را شکسته و قیمت ها را با شین بیا ورید. ایشان می گویند "گروه خاصی در بازار دست به احتکار می زند و با گران -

۱۱/۳/۵۹  
نقل بزرگ سلفی ۷۵۰  
نقل بزرگ سلفی ۸۵۰

این قیمت تا آخر این روز ۳۱/۳/۵۹  
اعتماد دارد  
لطفاً فرجه و جاز اصل برافشانی  
تا تا آخر و می باشد منظور  
در شکل از انواع اسلیم و بدیست ۱/۳/۵۹

نوشته بوضوح بی نیایی قیمت ها در بازار ریان می کند. خریدار در تاریخ ۱۱/۳/۵۹ به یک عمده فروشی براق آلات رجوع می نماید و خواهان خرید تعدادی قفل "یونیون" است. فروشنده با ارائه قیمت قفل متذکر می شود که این قیمت تنها "تا آخرین روز ۳۱/۳/۵۹ اعتبار دارد." قابل تذکر است قیمت اعلام شده قفل در سندنسبت به ما ههای قبل بیشتر نیز می باشد. البته این مشت بسیار کوچکی است از خوار تغییرات قیمت اجناس در یک دوره کوتاه زمانی.

هم اکنون افزایش قیمت ها در سطحی است که جنسی توجه سردمداران و مسئولین رژیم جمهوری اسلامی را نیز که بدروغ اعلام می کنند مردم به برای شکم بلکه برای اسلام انقلاب نموده اند را بخود جلب کرده است. مسئولین رژیم نگرانی و اضطراب خود را از این که افزایش قیمت ها اثرات جدی بر بیبریک نظام پیوسده سرمایه - داری وابسته می گذارد و بنیان نمیدارند و نتایج جدی آنرا نیز بر طبقه کارگر و توده های وسیع زحمتکشان درک کرده

بقیه از صفحه ۱۲

### جنگ...

اقتار خلقی از هیئت حاکمه می برند، نه بسوی نیرو - های ارتجاعی و تفاله های مانند اختیار مزدور و... بلکه بسوی نیروهای صدیق کمونیست و انقلابیون بیگرمستگیری نمایند. با بد طبقه کارگر و توده ها را بسوی تدارک انقلاب را هیری نمود.

در این عرصه از بنیرو طبقانی کمونیست با بسد بطور متمرکز از طریق فعالیت سیاسی - تشکیلاتی در میان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و ملیت های تحت ستم، نفوذ خویش را گسترده تر سازند. طبقه کارگر تنها طبقه، پیگیری است که می تواند انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی میهن ما را به سرانجام پیروز مندر خود برساند. اگر طبقه کارگر متشکل و آگاه نشود، اگر طبقه کارگر نتواند رهبری جنبش خلقی میهن را به دست گیرد، انقلاب پیروز نخواهد شد. ما توجه به چنین امر اساسی و مهمی است که نقش کمونیستها برجسته و برجسته بر می شود.

روشن است که انجام وظایف سنگین کنونی توسط یک نیروی کمونیست امکان پذیر نیستی باشد. بخصوص این مطلب زمانی واضح تر می شود که به دورتمسای مبارزه طبقاتی اوج گیرنده طبقه و توده ها توجه نمائیم. بدین منظور کمونیستها با بدبیش از هزاران دیگر برای وحدتی اصولی و پولادین بکوشند و حرکت خود را در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر پیگیری و استوار به پیش ببرند.

بیا در فقا مهدی علوی شوشتری، دکتر سما عیسیل نریمسا و منوچهر جعفری انقلابیون کمونیستی که در سرگامه روز جمعه ۵۹/۴/۶ بحکم بیادگا هرژیم جمهوری اسلامی بخاطر طرعا یدشان و به آنها مواهی شرکت در کشتارادانگاها هواز (که قربانیان و شهدای آن رفقا و همزمان خود آنها بودند)، بجوخه اعدام سپرده شدند!

دروشنای سرخ سرگامان  
زودی که با صغیر

"آتش..."

خونین و

خمنناک و

خروشان جاری گنت

ظهور بلند تشنگی این فلات را

انگار کرده است

وقتی تو

با آخرین ستاره می رفتی

از خاوران خونست

خورشیدی شکفت

(علی میرفطروس)



عده ای از زندانیان عادی را به مبارزینی آگاه تبدیل نماید.

رفیق پس از آزادی از زندان در کنگور شرکت نمود و در رشته فیزیک دانشگاه هوا قبول شد. استعداد او در درس هم با ن توجه بود و هرگز با معدل بالا قبول میشد. بعلاقی علاقه ای که به ریاضیات داشت پس از یکسال تغییر رشته داد و به رشته ریاضی رفت. کافیه است از کار علمی دانشکده ریاضی در مورد مهندسی برسیده بودند تا خود آنها از استعداد دوشوغ او در ریاضیات سخن بگویند.

پس از فقا مهدی به همکاری با "دانشجویان مبارز..." پرداخت و در این راه فعالانه کونا بود. چهره همواره خندان او را همه رفقای پیش پیدا کردند. مدتی پس از جدا شدن "دانشجویان هوا" از ریکا... " از "دانشجویان مبارز..." رفیق به تشکیلات (دانشجویان) هوا در ایبوست و فعالیت غیر قابل توصیف در پیشبرد کارهای سیاسی - تشکیلاتی از خود نشان داد. او در جریان کمک رسانی به سیزده دگان جنوب یکی از فعالترین رفقا بود و با شور و شوق وصف ناپذیر در کمک رسانی به توده های زحمتکش شرکت نمود. کافیت از روستایان اطراف ا هواز (عرب عباس، چم فرج و...) دربارها و بوسه های خود مردم که او را همان مهدی صدا میزدند دربارها رفیق نظر دهند.

مهدی پس از جدا شدن از یکی از محلات ا هواز (زیتون کاری) به کار رتوده ای پرداخت و در مدت کوتاهی که تاجا بود توانست با توده های تماس بگیرد و با برخورد توده ای خود در دل آنها جا باز کند. او در مرحله دست به ایجاد یک کتابخانه برای بچه های محل زد که بیست و نه عضو است و این با توجه به کوچکی محصل بیان تکرر فعالیت و برخورد توده ای وی میباشد. در جریان درگیریهای دانشگاه شیراز رفیق یکی از فعالترین اعمای تشکیلات بود و شجاعانه به تبلیغ در محلات حول این مسئله پرداخت و در روز درگیری شجاعانه در مقابل حمله ارتجاع به دانشگاهها پیدا ری نمود و بیس از زخمی شدن بدست مزدوران سرمایه همراه دیگر همزمان تشکیلاتی شد.

روحیه رفیق در زندان و برخورد وی به ارتجاع

بقیه از صفحه ۴ زندگینامه...

تا هراتا ز کرد. اما مرفقا همگلسا و فداکاری و شور و شوق مبارزاتی وی را در دبیرستان بخاطر ادر رسد. رفیق از آغاز مبارزه با موشی جدا از توده چریکی مرز - بندی داشت و گروهی که رفیق با آن آغاز به فعالیت تشکیلاتی نمود متعقد به موشی چریکی نبود مهدی در گروه در دبیرسنگارهای تشکیلاتی نقش بسیار مؤثر داشت و با توجه به علاقه و استعدادی که در رابطه با تماس گیری با توده ها داشت مرتب به محلات تغییر نشیمن روستاهای اطراف شوشتر و کارگاههایی که گنگاه در آنها کار میگردید میرفت و به تمام سگری با زحمتکشان میپرداخت و ما رکیسم را با مبارزات آنان می آمیخت و از ما نیکه هنوز در دبیرستان مشغول تحصیل بود یکبار بجرم بیخا اعلامیه دستگیر و بعلاقی کمی سن بمدت ۴۵ روز به دارالتا دیب فرستاده شد. پس از آزادی با زهم به کار مبارزاتی خود ادامه داد. گروهی که رفیق عضو آن بود ضمن کار رتوده ای و تماس با زحمتکشان، با وجود امکانات محدود سهم مهمی در تشکیلات "ا رما رکیسمی" داشت. رفیق در ادا مهنه تشکیلاتی مبارزاتی اش با دیگر در سال ۵۳ - ۵۴ دستگیر و به یکسال زندان محکوم شد و او این مدت را با روحیه ای مقاوم و آشتی ناپذیر گذراند و با کوله باری از تجربه زندان آزاد شد و مبارزه در بیرون را علیه نظام سرمایه داری وابسته شاه ادامه داد. او با دیگر در سال ۵۴ - ۵۳ دستگیر شد و زیر شدیدترین شکنجه های رژیم آریا موری قرار گرفت. رژیم که میدید چه مبارزان برکفی روبروست اول قصد داشت او را اعدام کند ولی پس از شکنجه فراوان در دادگاه اول به ۷ سال و پدرا دگا ه تجدید نظر به ۳/۵

سال زندان محکوم شد. او در سال ۵۶ از زندان آزاد شد و فعالانه در مبارزات عظیم توده ای شرکت نمود. خاطرات زندان او را با یاد زرفقای هم سلول او شنید. رفیق در زندان با حفظ همان روحیه مبارزاتی که داشت سعی در ارتقاء تشویق رفقای هم بند خود میکرد. او در کنار اینکار تلاش بسیاری در تماس گیری با زندانیان عادی (بخصوص عربها در زندان ا هواز) می نمود و در این راه بسیار هم موفق بود. چه توانست

بقیه از صفحه ۳

گرومی...

درگیری چنان شدت گرفت که عده ای از افراد زندان - مری یا دگان شیرگامه بعنوان نیروی کمکی به کارخانه اعزام شدند.

ما موران پلیس و زندان مری پس از بیرون کردن کارگران از کارخانه در آنرا بستند. اما زده خورد در بیرون کارخانه میان کارگران و نیروهای انتظامی ادا می یافت. پلیس به روی کارگران و نیز مردمی که بحمایت از کارگران در اطراف کارخانه اجتماع کرده بودند آتش گشود که طی آن چندین نفر زخمی و چهار نفر کهنای میکی از آنها محمود متانی است بشهادت رسیدند سرانجام نیروهای انتظامی با پرتاب گاز اشک آور و شلیک گلوله مردم را متفرق و عده ای را دستگیر کردند. بدنیا ل این واقعه دانشجویان دانشرای عالی و عده ای از دانش آموزان این شهر به نشانه هبستگی با اعتبار کارگران ناساجی و نیز بعنوان اعتراض به آتش گشودن پلیس بروی مردم دست بطا هرات زدند و بطرف ساختمان شهری را هیما می کردند. در خلال راه هیما می با دیگر پلیس به صفوف تظاهرات کنندگان حمله برد و عده ای را دستگیر نمود.

چند روز بعد کارخانه مجددا شروع بکار کرد. "عالمزاده" بسیاری از کارگران را که در اعتبار شرکت کرده بودند از کارخانه اخراج نمود. وی حتی سالن غذا خوری و رختکن کارگران را برچید تا امکان هرگونه تماس کارگران با یکدیگر از بین برود.

نجر به خونین اعتبار کارگران مبارزان ساجی به آنان آموخت که دشمن طبقه کارگرتنها کار فرمای کارخانه نیست بلکه آن نظامی که از سرمایه داری دفاع میکند نیز دشمن اوست. آنها همچنین آموختند که نظام سرمایه داری برای حفظ و تانمین منافع سرمایه داران هر چه بیشتر خود را مسلح و مجهز میکند تا بتواند با تشکیلات خود مبارزات کارگران و زحمتکشان را وحشیانه سرکوب نماید.

اینکه با بد طبقه کارگر خود را در برابر طبقه سرمایه دار ببینند و با توجه به اینکه این طبقه برای سرکوب کارگران دارای تشکیلات مجهز میباشد. به لزوم داشتن یک تشکیلات سیاسی پی برسد. نکات بسیار مهمی است که با بد توسط انقلابیون کمونیست به آنها آموزش داده شود.

با شکده طبقه کارگران ایران در به تحریر شدن کامل انقلاب دگرگونیک و فدا میریاییسی توانست در میدان مبارزه بگردد و دوشهر خود را برپیشانی آن بگردد و رهبری آنرا بدست گیرد!

پیروز با دبیران رزات حق طلبانه کارگران!  
درد و نرهمه شهیدای طبقه کارگر!

غیر قابل توصیف است. رفیق از همان لحظه اول در زندان به دفاع از اندیشه و الای خود پرداخت. از آرمان زحمتکشان و سازمانی که هوادارش بود (بیکار) دفاع نمود و هرگز در تمام مدت دوماها تمام فشارهای جسمانی و روحی که به رفیق وارد می آوردند سرخیم نشد و تا آخرین لحظه زندگیش به دفاع از آرمانش پرداخت و در هنگام اعدام همراه دور رفیق دیگرش در حالیکه خنده برب داشت آوازها را بلند میخواند. چشمهایش را بیندود و با ایمانی وصف ناپذیر به استقبال شهادت در راههای زحمتکشان رفت.

سنادن گرامی می باد

بقیه از صفحه ۵

کردستان...

اهل آرموده، محمد اهل شیخان، در جریان این یورش وحشیانه، تعداد زیادی از منازلها و منازل مردم ویران گردید (بقتل از خبرنامه کومه شماره ۵۶)

مربوان (۵۹/۳/۲۷) حمله به پادگان

ساعت ۸/۵ بعد از ظهر امروز پیشمرگان کومه به سلاح سنگین به پادگان مربوان حمله کردند. در این حمله محل استقرار خیمه‌ها و بناهای پادگان هدف حمله پیشمرگان نهرمان قرار گرفت. از میران خسارت این حمله اطلاعی در دست نیست. شهر مربوان هنوز در دست پیشمرگان نهرمان می باشد.

(بقتل از خبرنامه کومه شماره ۵۶)

مهاباد (۵۹/۴/۴):

بمب گذارها در مهاباد کار جا شها، ارتش و سپاه پاسداران است

روز چهارشنبه در یکی از خانه‌های مهاباد دیمی منفرشت، مردی که در داخل خانه بود، از جاشهای مهاباد بوده و با انفجار بمب بدست زخمی شده بود. پیشمرگان کومه که در محل حاضر شده بودند، اقدام به انتقال فرد مذکور به بیمارستان نمودند، اما جاش مجروح قبل از رسیدن به بیمارستان درگذشت.

در همین راه، اوقبل از مردن، ضمن معرفی ۸ تن از جاشهای مهاباد گفته است که تمام بمب گذار ریجای ده روزا خیر در مهاباد کار آنها بوده و ارتش و پاسداران نیز بمب و سلاح و دیگر وسایل انفجار را در اختیار آنها می گذاشته اند. بنا گفته است که ۸ جاش معرفی شده، بلافاصله توسط پیشمرگان کومه دستگیر و زندانی شدند.

بقیه از صفحه ۱۶

مدارک...

دادستانی، از مسئولین دادگاههای انقلاب مصرانه می خواهم: ۱- اجازه دهند محمد تقی شهرام به تمام آنها مات و شایعات در پینکا خلق یا سخ بدهد و بدینوسیله از حقوق حقه خود دفاع نماید. ۲- این از حقوق مسلم هر موطن و شهروند ایرانی است بنا بر این عدم رعایت آن در مورد کسیکه تمام زندگی اش را در میانه روزه های انقلابی برای رهائی و پیروزی موطنان ستمکش ما گذرانده است، اعمال ستمجوی و سلب مضاعف حقوق وی می باشد.

۳- پرونده تقی شهرام که همگی بدون کم و کاست در آرشیوهای ساواک موجود و اکنون در اختیار مقامات دادستانی و سپاه پاسداران می باشد، منتشر گردد. این خواست نه تنها حق این فرزندان زنده خلیف است بلکه از حقوق ملت ایران است که بتوانند از واقعیت شخصیت و جریان زندگی انقلابی فردی که مورد بدترین کینه توزیهای ارتجاع قرار داده گردید، آماز همه نیروهای مبارز و میریالیست از تمام سازمانهای دموکراتیک مسخوا همبجا با مطالبات از خواستهای فوق از این رژیم فاسد انقلابی دفاع نموده و بسپار از این اجازه ندهند ارتجاع در آلودن چهره انقلابیون آزادانه و قاتل و بیشرمی شان داده و ذهن سوده های مردم را نسبت به آنچه که در گذشته در جنبش انقلابی روی داده است مسموم و منحرف نماید.

کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارزان (۵۹/۴/۴)

بقیه از صفحه ۳

تحن...

مبارز شهید دعوت کرد تا از خواسته های برجح کارگران بخصیاتی کنند. بعضی از شعارهای راهیما بیان در طول مسیر عاربتنداز:

نه اش، نه تسلیم، نه رید با آمریکا، پاسدار، پاسدار، پاسدار، سرمایه دار، سرمایه دار، سرمایه دار، دست زحمت - گشان، بفتح زحمتگان ملی باید گردد، توطئه اخراج محکوم است، محکوم است، شورا، شورا، شورا، زحمتگان. ماهه ۳۳ الفبا یاد گردد. حمله به کارگر حمله به انقلاب است. کارگران اتحاد، زحمتکشان اتحاد علیه میریالیسم...

با اینکه قرار نبود با این راهیما شئ مسجد شهر باشد، اما راست روی بعضی از نمایندگان کارگران را که از این حرکت ناراضی بودند بطرف مسجد کشاند. (کارگران مطرح میگرددند که با بد برگردند و مجددا در فرمانداری نحن کنند) بهر حال ساعت ۱۱/۵ صبح راهیما بیان وارد مسجد شدند. پس از مدتی دونفر آخوندیسا مهابی و مرتضوی همراه با مهندس...

رزجو (رز مجومزوری است که در سرکوبی و اخراج کارگران مبارزان باغ فولاد دست داشت و میگفت آمده است که "اینجا را هم با کسای کند") او را مسجد شدند تا برای کارگران سخنرانی کنند. کارگران با شعارهای بی دربی خود مانع سخنرانی مرتضوی و رزجو شدند و آنها در میان فریادهای "مرگ بر ارتجاع" کارگران مسجد را ترک کردند. شعارهای کارگران به ربانی هم اجازه سخنرانی و عوا مغربی نداد. یکی از کارگران از وسط جمعیت قریبا دزد: "مگر ما آمریکا شئ هستیم که با بطوریا ما رفتار میکنید؟ شما به ایران ما به کارگران و زحمتکشان کرد سزیکه برای حقوق عادلانه خود می جنگند می گوئید صدا انقلاب، اگر ما صدا انقلابیم شما کی هستید؟" کارگران حدود یک ساعت در مسجد ماندند و آنگاه به توصیه نمایندگان شان محل را ترک کردند و قرار شد که فردا صبح (یعنی روز چهارشنبه) در جلسوی فرما نداری اجتماع کنند...

پیروزی با دست راست حق طلبان کارگران  
مرگ بر میریالیسم و ارتجاع داخلی حامیان

رسید، بعد از نیم ۵۷ نیرکماکان ادامه یافت، (بدون در نظر گرفتن تسلیحات نظامی). مطابق آمار گزارش تا تک مرکزی سال ۵۶ ارزش واردات ما در سال ۵۲ حدود ۳/۶ میلیارد دلار و در سال ۵۶ برابر ۱۴/۱ میلیارد دلار بود. این ارقام هم اکنون مطابق نوشته کیهان ۳۱ خرداد در حدود ۱۲ میلیارد دلار است که ۳/۵ میلیارد دلار آنرا واردات غذایی تشکیل میدهد. قابل توجه است که در سال ۵۶ ارزش واردات کالاهای مصرفی کسب البینه در برگیرنده واردات غذایی نسیمی شد کمراز ۲/۵ میلیارد ریو برابر ۲/۸ میلیارد دلار بود. با توجه به این ارقام دیده می شود که واردات ما بخش وسیعی از احسان مصرفی سوده های مردم و مواد واسطه ای اولیه کارخانه های کشور را تشکیل میدهد متلاصق ۷۲ درصد از کل مواد اولیه کارخانه های ما از خارج وارد شده و با طبق آمار تا تک مرکزی سهم واردات در قیمت عمده فروشی رقمی در حدود ۳۰ درصد می باشد. بنا بر این روشن است که هرگونه تغییر در قیمت کالاهای وارداتی بلافاصله اثر مستقیم بر روی قیمت کالاها دارد (البته در انتخابت نه در نحوه انتقال بحرا نیهای مالی و فنصادی امیرالیستی است بلکه نه تاثیرات چنین بحران در افزایش قیمت کالاها در کشور ما می باشد) اما میدانیم هم اکنون کشورهای امیرالیستی با بحران شدید فنصادی و مالی که از سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ شروع شده کماکان روبروی می باشند. و عوارض چنین بحران نیز علاوه بر تورم شدید بولی در این کشورها قیمت اجناس را نیز در داخل این کشورها بطور بی سابقه ای بالا برده است. اگر در سال ۷۳ قیمت خرید فزونی محصولات صنعتی در آمریکا ۱۳ درصد اضافه شده بود در سال ۷۴ به ۲۶ درصد افزایش یافت و هم اکنون این رقم به سطح خیلی بالاتری نیز ارتقا یافته است. لازم است اضافه شود که تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی نیز تا حدودی در افزایش قیمت های ما تاثیر می باشد هم اکنون بازرگانان بجای معامله با کشورهای اصلی مجبورند به واسطه های که در کویت و دبی... هستند مراجعه نموده و با پرداخت میلیتی اضافه کالای آنها بخرند که این اضافه پرداخت را هم مصرف کنند با بسند بپردازد.

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۳

گرانی...

علل اساسی افزایش قیمت اجناس

گرانی یا بالا رفتن قیمت اجناس محصول طبیعی و ناکزیر سیستم سرمایه داری وابسته به کشورهای امیرالیستی است. این امر نه جدید است و نه تصادفی نگاه می باشد خاص نیهای عمده فروشی کالاها (نرخ رسید قیمت اجناس در عمده فروشی ها نسبت به سال پیش) در سالهای گذشته نشان میدهد که چگونه هر سال به نرخ رشد قیمت کالاها اضافه شده است. مثلا اگر در سال ۱۳۴۸ افزایش نیهای عمده فروشی کالاها رقم ۳/۹ درصد بود در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۵ به ترتیب به ارقام ۵/۷ و ۱۶/۱ درصد صعود نموده است. (از کتاب بیان آمار و تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - این ارقام مطابق آمار تا تک مرکزی در سال گذشته برابر ۳۳/۶ درصد و اما سال بنا بگفته سنی مدر حدود ۵۰ درصد خواهد بود. هاتطوریکه ملاحظه می شود در خصوص قیمت ها همچنان از قبل از نیم ۵۷ تا به حال ادامه داشته و مسئله در رابطه با علت های است که همگی بر سبب تنظیم سرمایه داری وابسته حرکت می نمایند که دیلا به آنها میپردازیم:

۱- واردات، وابستگی تولیدات داخلی به کشورهای امیرالیستی

حجم واردات ما از کشورهای امیرالیستی که در سالهای آخر رژیم وابسته و مزدور پهلوی به اوج خود

### فشار روز افزون ارتجاع بر روی سازمان درخوزستان

از زمان حمله سراسری اخیر ارتجاع به کردستان و توطئه با صلاح انقلاب فرهنگی علیه دانشجویان و نیروهای سیاسی انقلابی، مردم آگاه ما درس سراسر ایران شا هفتا روزا فزون بر نیروهای کمونیست و دمکرات می باشند. این فشار را بخصوص نیروهای سازش ناپذیر - ی که در راه منافع زحمتکشان مبارزه میکنند بیشتر حس میکنند. فشارهایی که اکنون بخصوص درخوزستان بر روی سازمان ما اعمال میشود و توطئه‌هایی که علیه هواداران ما بکار برده می‌شود نمونه‌ای از آنهاست. ارتجاع که درخوزستان شا هفتاد روزا فزون سازمان ما در بین توده‌ها است آشکارا اعلام کرده است که ما باید نخست با سازمان پیکار "تصفیه حساب" کنیم، در همین رابطه فروشندگان نشریه پیکار و هواداران سازمان دستگیر و مورد آزار روحی و جسمی قرار میگیرند. (۳) اعدا مرفیق شهید مهدی علوی شوشتری در احوال و پیش از این اعدا مرفیق شهید احمد موذن نشان میدهد که ارتجاع چگونه راکا راکا هکرا به سیاسی و کارتنکیلاتی ما در بین توده‌ها هراسان است. هم‌اکنون جان عده‌ای از هواداران ما که بعلل جزئی دستگیر شده اند در خطر قرار دارد. ما نظریه‌های نیروهای انقلابی و مترقی را نسبت به این مسئله جلب نموده و خواهان افشای گسترده فشار راکا نهایی مرتجع محلی بر روی نیروهای انقلابی بخصوص سازمان می باشیم. (۴)

(۳) - اخیرا سبها ساداران مسجد سلیمان با انتشار اعلامیه‌ای سازمان ما را مورد بدترین دشمنانه‌های کینه‌نوازانه خود قرار داده و آشکارا تهدید کرده است که چنین وجنان خواهد کرد.

### مدارک و اسناد مربوط به تقی شهرام، موجود در آرشیو ساواک را منتشر کنید

یکسال از زندان مجرد تقی شهرام میگذرد. این مبارز بی‌گرددی این مدت نه تنها بدترین فشارها - ی روحی و جسمی را متحمل شده است، بلکه مورد بدترین تبلیغات سوء و زشت‌ترین اتهامات و ناسزاها قرار گرفته است. بلندگوهای علمی و مخفی - حرب فاشیست‌گرای جمهوری اسلامی همه و هرگونه افتراهای را نسبت به این فرزند خلق اشاء عدا داده اند، در حالیکه نه تنها شهرام مکان نداشته است کلمه‌ای از خود دفاع کند، بلکه ما هم ما هم ممنوع‌الاعلام شده‌ایم است و امروز نیز که بر طبق اظهارات مقامات مربوط به دادستانی و دادگاههای انقلاب در آستانه سرهم بندی نمایشات مفصل و مغرضانه و سراسر تحریف دادگاه قرار دارد همچنان از حق دفاع از خود در مقابل تمام شایعات و اتهامات کثیف و مغرضانه محروم است. ما از مقامات

بقیه در صفحه ۱۵

### از حزب جمهوری اسلامی بپرسید:

## "کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی" یعنی چه؟

۱ - کمیته مبارزه با سازمانها و احزاب سیاسی، شاخه تبریز - رضاشیه  
۲ - سپاه پاسداران تبریز - رضاشیه  
۳ - حزب جمهوری اسلامی تبریز - رضاشیه  
گزارش عیاشی در ناعت ۲ با مصادف ۵۹/۲/۱۲ - سه کمیته باطل گردید .  
امضا : حسینی  
اجرا کننده دستور مقام محترم کمیته، سرهنگ پیاده :  
ع . م  
امضا - ۵۹/۲/۱۱  
براستی اگر این آقایان از سردسیرهای انقلابی و کمونیست و نرزل موقعیت خود نمی ترسند، اگر نه "ایدئولوژی و سیاسی" خود اعتماد دارند، چرا با سازمانها و احزاب سیاسی، انقلابی آنها بشوید؟ پلیسی و مصلحانه مبارزه می کنند ؟  
جواب احزاب جمهوری اسلامی - که دیکر آیت فقط یکی از توطئه‌گران است - باید بدهد. (۵)

حزب جمهوری اسلامی که رکورد "افتخارات بزرگ" را طی همین مدت کوتاه ترکتاری خود، شکسته و علاوه بر توطئه‌های بزرگ، افتتاح بزرگ (نواز آیت) را نیز ببار آورده است، افتخارات دیگری هم دارد که یکی از آنها تاسیس کمیته‌ای بنام "کمیته مبارزه با احزاب سیاسی" است. آنجا قبل از قیام، مردم را می فریفتند که در حکومت اسلامی احزاب سازمانها و عقاید را دارند، در همین "قانون اساسی" شان هم از آزادی احزاب و اجتماعات و عقاید سخن گفتند، اما عملا دشمنی خود را با هرگونه آزادی که بفتح توده‌ها و زحمتکشان باشد، نشان دادند. آنجا فقط خودشان را آزادی دادند و تانکده هر چه می خواهند بکنند :  
- دانشکاه را تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" مورد هجوم قرار داده، آنرا تعطیل نمایند،  
- موسسات مطبوعاتی منطبق به خلق را اشغال و تصرف کنند و هر روز ورق باره‌هایی سراسر از موهومات، موضعگیری‌های ارتجاعی، افترا و فحش به نیروهای مترقی و انقلابی را بین مردم پخش کنند،  
- خلق کرد را زیر عنوان مبارزه با کفر زیر بسازان، کشتار نمایند،  
- کارگران مبارز را از کارخانه‌ها اخراج کنند و به کلانده بفرستند،  
- معلمان و اساتدان و کارمندان انقلابی و طرفداران رجمتکشان را از کار برکنار نمایند،  
- مدعا انقلابی و کمونیست را بگزینان بیاندازند و حتی تکجه کنند،  
- با جمعی به اجتماعات هجوم برند و راهبانی و بیولژیستون را بیوق و جوجه خلمات و حیثانه خود نمایند،  
- و ....  
سندی که بدست ما رسیده بزنده‌ایکی دیگر از اقدامات ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی بر میآورد.

مورخ ۵۹/۲/۱۱  
کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی  
به کمیته‌های وابسته کمیته مبارزه با سازمانها - های سیاسی تبریز - رضاشیه شماره رمز: ۱۷۴ شماره گزارش ۲/۱۰۲

مقام محترم کمیته مبارزه با سازمانها و احزاب محترماً تعرض می رساندینا دستور مقام محترم کمیته مرکز، جلوگیری از ورود نشریه‌ها و اعلامیه‌های بیکار در راه (آزادی طبقه) کارگردان ریخ ۵۹/۲/۱۲ به وسیله عده‌ای دانشجوی بیکار در راه (آزادی طبقه) کارگرمعهده مسئول مبارزه با سازمانهای سیاسی، ناخبر تبریز - رضاشیه و کمیته حزب جمهوری اسلامی می باشد. چنانچه در شرایطی به افراد مسلح پیشتر احتیاج شد، حزب جمهوری، مسئول اقدام کردن سپاه پاسداران منطقه تبریز، دربار برگزیده‌های سیاسی می باشد.  
گزارش به اطلاع مقامات مسئول ابلاغ میگردد.

### توقیف روزنامه ندای آزادی را محکوم میکنیم

بسیاری کهما دست کروزنا مه‌ندای آزادی، از طرف "دانشان انقلاب اسلامی" توقیف شده و یکی از کارکنان آن نیز زندان افتاده است.  
بیرون به آزادیهای سیاسی، اجتماعی سیاست عمومی، رژیم جمهوری اسلامی بوده و هست. سردمداران این رژیم بواسطه وحشتی که از آگاهی مردم زحمتکشان دارند، تمام امکانات خود را بکار گرفته اند، تا جوانه های آگاهی را خشکانند. آنجا گذشته زفعالیت روشنگرانه نیروهای انقلابی، حتی از انعکاس وقایع و رویدادهای جامعه ما نیز میمانند، لذا با توسل به سیاست جنای و سرکوب و وضع قوانین ارتجاعی، مطبوعات انقلابی و مترقی و آزادی را مورد تهاجم قرار داده و از انتشار آنها جلوگیری میکنند. روزنامه "ندای آزادی" که با کسب "مجوز قانونی" از "وزارت ارشاد ملی" مجدداً انتشار یافت پس از چهارمین شماره خود به بهانه جابجایی مکان "از طرف کمیته‌های حساس" توقیف شد. اکنون علیرغم اظهارات وزارت ارشاد ملی مبنی بر بی‌اعتنا بودن انتشار این روزنامه، "ندای آزادی" همچنان توقیف است این امر نشان میدهد که رژیم‌های ارتجاعی نظیر رژیم کابرا بران، هرچا که منافع خود را در خطر می بیند، حتی قوانینی را که خود برای حفظ نظام استثماری حاکم وضع کرده اند زیر پای می گذارند. اینان غافل از آنند که با چنین روش‌های سرکوبگرانه نمی توان از بارور شدن شکوفه‌های آگاهی خلقی مین ما جلوگیری نمود و علیرغم جمیع وسرکوب رژیم واقعیت جامعه ما، از چشم مردم هوشیار پوینده نخواهد ماند. ما توقیف روزنامه "ندای آزادی" و دستگیری یکی از کارکنان آنرا شدیداً محکوم میکنیم و انتشار مجدد آنرا خوا خواهیم. (۵)

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست